

بجٹ محدودیت (۲)

فهرست مطالب

Contents

بخش اول: اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی	۵
اندیشه موعود در آئین یهود	۶
۱. کتاب دانیال پیامبر	۶
۲. کتاب حگی	۷
۳. کتاب صفیاه پیامبر	۷
۴. کتاب اشعیای پیامبر	۷
۵. کتاب زبور داود(علیه السلام)	۷
اندیشه موعود در آئین مسیح	۸
الف) انجیل متی	۹
ب) انجیل مرقس	۱۰
ج) انجیل لوقا	۱۰
هـ) انجیل یوحنا	۱۱
بخش دوم: مهدویت در قرآن	۱۲
ایه ۱:	۱۲
ایه ۲:	۱۳
ایه ۳:	۱۴
ایه ۴:	۱۵
ایه ۵:	۱۶
ایه ۶:	۱۷
بخش سوم: مشترکات اهل سنت و شیعه در مهدویت	۱۸
۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)	۱۸

۲. نسب حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۱۸
- ۱-۲. حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)از اهل بیت و فرزندان رسول خدا ۱۸
- ۲-۲. حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)از نسل حضرت علی(علیه السلام) ۱۹
- ۳-۲. حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نسل فاطمه(علیها السلام) ۱۹
۳. ویژگی‌های جسمانی حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۰
- ۱-۳. قدرتمند بودن آن حضرت هنگام ظهور ۲۰
- ۲-۳. چهره نورانی ۲۰
- ۳-۳. پیشانی بلند و بینی کشیده ۲۰
- ۴-۳. خال بر گونه ۲۰
- ۵-۳. ظهور در سن چهل سالگی ۲۰
۴. هم نام بودن حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)با پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) ۲۱
۵. زمینه‌های ظهور ۲۱
- ۱-۵. ناامیدی کامل مردم ۲۱
- ۲-۵. فراگیر شدن ستم ۲۲
۶. نشانه‌های ظهور ۲۲
- ۱-۶. ندای آسمانی ۲۲
- ۲-۶. سفیانی ۲۲
- ۳-۶. خسف در بیداء ۲۳
- ۴-۶. قتل نفس زکیه ۲۳
۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۳
- ۱-۷. اصلاح امر ظهور مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)در یک شب ۲۳
- ۲-۷. محل ظهور ۲۳
- ۳-۷. بیعت با حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۴

- ۴-۷. نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۴
- ۵-۷. نزول عیسی(علیه السلام) و اقتدا به حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)..... ۲۴
۸. ویژگی‌های حکومت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲۵
- ۱-۸. عدالت گستری ۲۵
- ۲-۸. رفاه و آسایش عمومی..... ۲۵
- ۳-۸. رضایت همگانی از حکومت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)..... ۲۵
- ۴-۸. امنیت همه جانبه و عمومی ۲۵
- ۵-۸. احساس بی‌نیازی در مردم ۲۶
- ۶-۸. غلبه اسلام بر سایر ادیان ۲۶
- ۷-۸. جهانی بودن حکومت حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)..... ۲۶
- بخش چهارم: نسب پدری، پدر، مادر و ولادت حضرت مهدی (عج) ۲۷
- مهدی(ع)، «کنانی قرشی هاشمی» است ۲۸
- مهدی (ع)از اولاد عبدالمطلب است ۲۸
- مهدی (ع)،فرزند ابو طالب است ۲۸
- مهدی (ع) از اهل بیت و اولاد پیامبر (ص) ۲۹
- مهدی(ع) فرزند علی علیه السلام ۲۹
- امام مهدی (ع) از نسل فاطمه علیهاالسلام ۳۰
- مهدی(ع) از فرزندان امام حسین (ع) ۳۰
- بررسی حدیث «مهدی(ع) از فرزندان امام حسن (ع)است» ۳۱
- مهدی(ع)،فرزند بلافضل امام حسن عسکری(ع) ۳۲
- بخش پنجم: شناخت امام زمان عج ۳۴
- از شناخت خدا تا شناخت امام عصر(عج)..... ۳۴
- راههای شناخت امام(ع)..... ۳۵

۱. نص: ۳۵
۳. سیره عملی ۳۶
- آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان (عج) ۳۶
۱. محبت و دوستی امام: ۳۷
۲. نجات از مرگ جاهلی ۳۸

بخش اول: اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی

اندیشه موعود در آئین یهود

یهودیان - که خود را پیروان حضرت موسی(علیه السلام) می دانند - منتظر موعودند. در آثار دینی یهود و سفرهای تورات و دیگر کتاب‌های انبیای آنان، همواره به موعود اشاره شده است.

از آنجایی که یهودیان، به حضرت مسیح(علیه السلام) ایمان نیاوردند، بالطبع موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. اگر در آثار مقدس یهودی تأمل شود، چهره سه موعود، در آنها ترسیم می‌گردد:

۱. حضرت مسیح(علیه السلام) ،

۲. حضرت محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) ،

۳. حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) .

با این حساب، انتظار، در یهودیت کیفیتی ویژه می‌یابد و چون این قوم، نه به حضرت مسیح(علیه السلام) و نه به حضرت محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) ، نگرویدند، باید در برابر مسأله موعود و انتظار، بسیار حساس و نگران باشند و از این همه اشاره ها و بشارت های موجود در کتاب هایشان، به سادگی و غفلت نگذرند. آنان باید از دیگران منتظرتر باشند و بیشتر به انتظار و آمادگی برای ظهور فکر کنند.

البته تکاپوی آشکار یهودیان، در دوران حاضر و فعالیت های آنها در بازسازی هیكل سلیمان و آماده ساختن بیت المقدس برای آمدن منجی، می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد؛ هر چند این دیدگاه دارای انحرافی آشکار است!!

اینک نام چند کتاب از کتاب های یهودیت و عهد عتیق - که در آنها سخنانی درباره موعود آمده است - همراه با بخش های مورد نظر ذکر می‌شود:^۱

۱. کتاب دانیال پیامبر

«در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی - که از جانب پسران قومت قائم است - خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوایف تا به این زمان نبوده است، واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو - هر کسی که در کتاب مکتوب شده است - نجات خواهد یافت و از خوابندگان در خاک، زمین بسیاری بیدار خواهند شد. بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی ...»^۲

۱. نقل های کتاب مقدس، مستقیم از کتاب مزبور و بدون هیچ کم و کاستی نقل شده است.

۲. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب دانیال، ص ۱۵۶۷، فصل دوازدهم، بندهای ۱-۳.

۲. کتاب حگی

«خداوند لشکرها چنین می‌فرماید: هنوز وقت خیلی است که من آسمان‌ها و زمین و بحر و خشکی را به هیجان می‌آورم؛ بلکه تمامی طوایف را به هیجان می‌آورم و مرغوب تمامی طوایف خواهد آمد و خداوند لشکرها می‌فرماید: این خانه را مملو از جلال خواهیم کرد...»^۳

۳. کتاب صغیاه پیامبر

«خداوند در اندرون آن عادل است، بی انصافی نمی‌کند. هر صبح بی نقصان حکم خود را به روشنایی بر می‌آورد؛ اما عاصی انفعال را نمی‌داند. طوایف را منقطع نمودم، برج‌های ایشان ویرانند. کوچه‌های ایشان را خراب کردم، به حدی که عبور کننده نیست و شهرهای ایشان بدون آدمی و ساکنی ویرانند و گفتم که شاید از من ترسیده، تأدیب را قبول کنی تا آنکه مسکن ایشان منقطع نشود. اما هر قدر که ایشان را عقوبت کردم، ایشان سحر خیزی نموده، تمامی اعمال خویشتن را فاسد گردانیدند...»^۴

۴. کتاب اشعیای پیامبر

«و نهالی از تنه یشی بر آمده، شاخه از ریشه هایش قد خواهد کشید و روح خدا - که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از خداوند است - بر آن خواهد آرمید و او را در خشیت خداوند تیز هوش گردانیده، موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش هایش تنبیه نخواهد فرمود؛ بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لب هایش شریر را خواهد کشت...»^۵

۵. کتاب زبور داود(علیه السلام)

در این کتاب نیز مطالبی ذکر شده است؛ چنان که قرآن کریم، به نقل از زبور از غلبه صالحان سخن گفته است:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^۶

«و در حقیقت، در زبور پس از ذکر [تورات] نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

با مراجعه به زبور، می‌توان به رغم تحریف‌های صورت گرفته، این بشارت را چنین یافت:

۳. همان، کتاب حگی، ص ۱۶۳۲، فصل دوم، بند های ۶ - ۸.

۴. همان، کتاب صغیای نبی، ص ۱۶۲۹، فصل سوم، بندهای ۵ - ۸.

۵. همان، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۲۲۰، فصل یازده، بند ۱-۱۰.

۶. انبیاء/۱۰۵

«زیرا که شریبان منقطع می‌شوند؛ اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد؛ اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد...»^۷

پس از حضرت موسی(علیه السلام)، حضرت عیسی(علیه السلام) آمد و دین موسی(علیه السلام) را نسخ کرد. اکنون دین یهود، دین منسوخ و شریعت باطله است. پس از حضرت عیسی(علیه السلام)، حضرت محمد(صلی الله علیه و آله وسلم)، مبعوث شده و دین مسیح را نسخ کرد. اکنون دین مسیح، دین منسوخ و شریعت باطل است.^۸ از زمان طلوع اسلام تا کنون و تا قیامت، تنها دین به حق در روی زمین - که مبتنی بر وحی و پیامبری است - دین مقدس اسلام است و کتاب خدا، در میان خلق همواره، قرآن است. بر این اساس «موعود» همان مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و بشارت‌ها و اشارت‌هایی که از پیامبران و دیگر بزرگان رسیده است، در حق او صادق است و به ظهور او اشاره دارد.^۹

اندیشه موعود در آئین مسیح

انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی، و امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان، با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی‌شناسد و به هیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد. از این رو، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرا رسد که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسانها از وضع فلاکت بار موجود نجات یابند و از نابسامانی و نا امنی و تیره روزی خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای نایل آیند. به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان، از مصلحی - که در آخر الزمان ظهور خواهد نمود و به جنایتها و خیانت‌های ضد انسانی خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد - سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویدهایی داده‌اند. با توجه به شرایط کنونی، آنچه دغدغه این نوشتار را فراهم ساخته است، نگاهی کوتاه به بازخوانی اندیشه موعود در جهان مسیحیت است. این مسأله از آن جا مهم و در خور اعتنا است که هم اینک بخشی از جهان مسیحیت با تکیه بر وعده‌های توراتی - انجیلی و فن آوری موجود در دنیای غرب به گونه ای خاص به تأویل و تفسیر آخرالزمان و اندیشه انتظار می‌پردازد و با ارائه نگاهی جنگ طلبانه، تمامی اهرم‌های

۷. کتاب مقدس، مزامیر داود، مزمور سی و هفتم، بندهای ۹-۳۷.

۸. این تعبیر - چنان که پیداست - به این معنا نیست که شریعت موسای کلیم(علیه السلام)، یا شریعت عیسی(علیه السلام)، در زمان خود نیز باطل بوده است. این دو دین، هر یک در عهد خود و در دور زمانی خاص خود و نیز به دور از تحریف‌ها و تصرف‌ها، دین آسمانی و بر حق بوده است.

۹. درسنامه مهدویت - ص ۲۳ تا ص ۲۶. گذری بر اندیشه موعود در آیین یهود، خدامرلد سلیمیان

خود را برای تحمیل نظریه خویش به کار می برد. از این رو، با گذری کوتاه بر اندیشه بازگشت مسیح، تلاش خواهیم نمود تا از زاویه ای دیگر به این ماجرا بنگریم.

بر اساس بشارات فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح (علیه السلام) به دنبال قیام حضرت قائم (علیه السلام) در «فلسطین» آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت، و پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگردند و حامی حضرت مهدی (علیه السلام) گردند. از این رو، در آخرین روزهای زندگی - و شاید در طول دوران حیات - به یاران و شاگردان خود توصیه ها و سفارشهای اکیدی در باره بازگشت خود به زمین نموده و امر به بیداری و هوشیاری و آمادگی فرموده است که ما به جهت اثبات این مدعا و بیداری مسلمانان قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم.

اینک متن برخی از آن بشارات که در انجیل آمده است:

الف) انجیل متی

«پس عیسی از هیکل بیرون شده برفت، و شاگردانش پیش آمدند تا عمارتهای هیکل را بدو نشان دهند. عیسی ایشان را گفت: آیا همه این چیزها را نمی بینید؟ هر آینه به شما می گویم: در اینجا سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد که به زیر افکنده نشود. و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این امور کی واقع می شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟ عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما را گمراه نکند. ز آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید، زنهار مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی ها و وباها و زلزله ها در جایها پدید آید ... پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید، یا آن که در خلوت است باور مکنید؛ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد ... و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را نهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوتهای افلاک متزلزل گردد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید.... آسمان و زمین زایل خواهد شد؛ لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد. اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس؛ لیکن چنان که ایام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود... پس شما حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان

نبرید پسر انسان می آید».^{۱۰} «اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدّس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع اُمّت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید».^{۱۱}

ب) انجیل مَرَقَس

«و چون او بر کوه زیتون مقابل هیكل نشسته بود ... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که این امور کی واقع می‌شود؟ و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟ آنگاه عیسی در جواب ایشان سخن آغاز کرد که: زنه‌ار کسی شما را گمراه نکند. زیرا که بسیاری به نام من آمده خواهند گفت که: من هستم، و بسیاری را گمراه خواهند نمود. اما چون جنگها و اخبار جنگها را بشنوید مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این حوادث ضروری است. لیکن انتها هنوز نیست. زیرا که اُمّتی بر اُمّتی و مملکتی بر مملکتی خواهند بر خاست، و زلزله‌ها در جایها حادث خواهد شد و قحطی‌ها و اغتشاشها پدید می‌آید، و اینها ابتدای دردهای زه می‌باشد. لیکن شما از برای خود احتیاط کنید ... ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید! زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید. اما آنچه به شما می‌گویم به همه می‌گویم بیدار باشید!».^{۱۲}

ج) انجیل لوقا

«کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید».^{۱۳}

«و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای اُمّت‌ها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش. و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود،

۱۰. انجیل متی، باب ۲۴، ص ۴۱.

۱۱. همان، باب ۲۵، ص ۴۴.

۱۲. انجیل مرقس، باب ۱۳، ص ۷۷.

۱۳. انجیل لوقا، باب ۱۲، ص ۱۱۶.

زیرا قوّت آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر، ابری سوار شده با قوّت و جلال عظیم می آید.»^{۱۴}

ه) انجیل یوحنا

«و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکنند؛ زیرا که پسر انسان است. و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری.»^{۱۵}

با نظری دقیق و اجمالی در تمام احادیثی که در مورد ظهور یکتا بازمانده حجج الهی وارده شده است می توان گفت: همه فرازهای بالا در احادیث اسلامی آمده است.^{۱۶}

۱۴. همان ، باب ۲۱ .

۱۵. انجیل یوحنا ، باب ۵ ، ص ۱۵۲ .

۱۶. بخشی از مقاله آقای رسولی نژاد با عنوان «بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «انجیل»»

بخش دوم: مهدویت در قرآن

ظهور حضرت مهدی، حلقه ایست از حلقه های مبارزه اهل حق و اهل باطل، که به پیروزی نهائی اهل حق منتهی می شود، سهیم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. در آیاتی از قرآن مجید، از ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف)، به عنوان وعده الهی نام برده شده؛ تا جایی که خداوند متعال در برخی از این آیات ظهور حضرت را نویدی برای اهل ایمان و عمل صالح بیان می کند.

ایه ا:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^{۱۷}

از مجموع آیه چنین بر می آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت "ایمان" و "عمل صالح" هستند، سه نوید داده است: ۱- استخلاف و حکومت روی زمین. ۲- نشر آئین حق به طور اساسی و ریشه دار در همه جا. ۳- از میان رفتن تمام اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی.

نتیجه امور فوق آن خواهد شد که مردم در آن زمان، با نهایت آزادی خدا را می پرستند و فرمانهای او را گردن می نهند و هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نمی شوند و توحید خالص را در همه جا می گسترانند.^{۱۸} بسیاری از مفسران با استناد به ادله و شواهد عقلی و نقلی، برآنند که آیه فوق راجع به ظهور حضرت بقیة الله (علیه السلام) و برپایی حکومت ایشان در زمین است.^{۱۹} گرچه مفسران در تفسیر آیه فوق احتمالات دیگری را نیز بیان نموده اند، لکن در خصوص تطابق این آیه با حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) یکی از آنان می نویسد:

اولاً: وعده الهی تخلف پذیر نیست، زیرا خلف وعده قبیح است و محال است از خدا صادر شود.

ثانیاً: خطاب «منکم» در این آیه، به مسلمین است و معلوم است که مسلمین نیز در اینجا دو دسته هستند، زیرا می فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ» کسانی که از شما مسلمین ایمان داشته باشند که مؤمن با مسلم غیر مؤمن فرق دارند و مسلماً مصداق

اتم مؤمن ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند که معصومین (علیهم السلام) باشند و این وعده خاص به آنها است. «وَعَمَلُوا

الصَّالِحَاتِ» صالحات با دارا بودن «الف و لام» افاده عموم می کند، یعنی جمیع صالحات و کسی غیر از معصومین (علیهم

۱۷. النور/۵۵

۱۸. رک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۵۲۸

۱۹. ابوالفتح رازی، فضل بن حسن طبرسی، سید عبدالحسین طیب، علامه طباطبائی (ره) و ...

السلام) خالی از اعمال فاسده نیست. از طرفی استخلاف در زمین، سلطنت و ریاست بر تمام کره زمین است و هیچ کدام از ائمه و یا غیر آنان چنین سلطنتی پیدا نکردند؛ زیرا فقط امیر المؤمنین (علیه السلام) پنج سال سلطنت داشت، آنهم نه بر تمام کره، از طرفی ایشان در زمان خلافت خویش، گرفتار عایشه و طلحه و زبیر و معاویه و خوارج بود، تا آنکه در محراب او را کشتند. در این آیه سخن از تمکن و نشر آیین به میان آمده است و این در حالی است که ائمه (علیهم السلام) در دوره زمان خود متمکن نبوده اند، و به گونه ای گرفتار جریاناتی بوده اند، امیر المؤمنین (علیه السلام) گرفتار مشایخ سه گانه، امام حسن (علیه السلام) گرفتار معاویه، حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) گرفتار یزید حضرت سجاد و حضرت باقر (علیهم السلام) گرفتار بنی مروان، و بقیه ائمه (علیهم السلام) گرفتار بنی عباس.

تبدیل این خوف به امنیت، منحصر به دوره ظهور است که دیگر يك كافر، مشرك، ظالم، مخالف، معاند و ناصب روی زمین باقی نمی ماند و مؤمنین در کمال امنیت و آسایش خدا را عبادت می کنند و دستگاه شرك برچیده می شود.^{۲۰} از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) روایت است که این آیه در باره مهدی آل محمد (علیه السلام) است. همچنین روایت است که امام سجاد (علیه السلام) این آیه را خواند و فرمود: « آنها به خدا سوگند شیعیان ما هستند، که خداوند به دست مردی از ما که مهدی این امت است، این وعده ها را در باره آنها انجام می دهد. او کسی است که پیامبر خدا (صل الله علیه و آله و سلم) در باره او فرمود: "اگر از دنیا يك روز مانده باشد، خدا آن روز را طولانی می سازد تا مردی از عترت من که هم نام و هم کنیه من است، زمامدار شود و زمین را بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند."^{۲۱}

ایه ۲:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^{۲۲}

در این آیه به یکی از پادشاهای دنیوی صالحان که "حکومت روی زمین" است با بیان شیوایی اشاره شده است بدین معنا که «در «زبور»^{۲۳} بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

۲۰. ر.ک: طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش، ج ۹، صص ۵۵۵ و ۵۵۶
۲۱. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش، ج ۹، ص ۳۳۸
۲۲. انبیاء/ ۱۰۵

۲۳. به نظر می رسد که زبور همان کتاب مزامیر داود باشد، بخصوص اینکه در مزامیر موجود، عباراتی وجود دارد که عینا مطابق با آیه مورد بحث است؛ " زبور داود" یا به تعبیری که در کتب " عهد قدیم" آمده " مزامیر داود" عبارت است از مجموعه ای از مناجاتها و نیایشها و اندرزهای داود پیامبر. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۶

در بعضی از روایات صریحا این آیه تفسیر به یاران حضرت مهدی (علیه السلام) شده است: چنان که در مجمع البیان ذیل همین آیه از امام باقر (علیه السلام) چنین می‌خوانیم: «بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می‌کند یاران مهدی (علیه السلام) در آخر الزمان هستند».^{۲۴} در تفسیر قمی نیز در ذیل این آیه چنین آمده است: «منظور از اینکه زمین را بندگان صالح خدا به ارث می‌برند حضرت مهدی قائم (علیه السلام) و یاران او هستند». ناگفته پیداست مفهوم این روایات، انحصار نیست، بلکه بیان یک مصداق عالی و آشکار است، و بارها گفته‌ایم این تفسیرها هرگز عمومیت مفهوم آیه را محدود نمی‌سازد. بنابراین در هر زمان و در هر جا بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد. علاوه بر روایات فوق که در خصوص تفسیر این آیه وارد شده روایات بسیار زیادی که بالغ به حد تواتر است از طرق شیعه و اهل تسنن در مورد حضرت مهدی (علیه السلام) از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و همچنین از "ائم اهل بیت" (علیهم السلام) نقل شده که همه آنها دلالت بر این دارد سرانجام حکومت جهان به دست صالحان خواهد افتاد، و مردی از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد آن چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.^{۲۵}

ایه ۳:

و نَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».^{۲۶}

آیه فوق، هرگز سخن از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل نیست، بلکه بیانگر یک قانون کلی است برای همه اعصار و قرون و همه اقوام و جمعیتها، این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر. این بشارتی است برای همه انسانهای آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و جور. نمونه‌ای از تحقق این مشیت الهی، حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود. و نمونه کاملترش حکومت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و یارانش بعد از ظهور اسلام بود، حکومت پا برهنه‌ها و تهی‌دستان با ایمان و مظلومان پاکدل که پیوسته از سوی فراعنه زمان خود مورد تحقیر و استهزاء بودند، و تحت فشار و ظلم و ستم قرار داشتند. سرانجام خدا به دست همین گروه دروازه قصرهای کسرها و قیصرها را گشود و آنها را از تخت قدرت بزیر آورد و بینی مستکبران را به خاک مالید. و نمونه گسترده‌تر "آن ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین بوسیله" حضرت مهدی " (ارواحنا له الفداء) است. این آیات از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می‌دهد، لذا در روایات اسلامی می‌خوانیم که ائمه اهل بیت

۲۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۰۶

۲۵. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص: ۵۱۹

۲۶. القصص / ۵: « ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.»

(علیه السلام) در تفسیر این آیه اشاره به این ظهور بزرگ کرده‌اند. در نهج البلاغه از امام علی (علیه السلام) چنین آمده است: «دنیا پس از چموشی و سرکشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و برای بچه‌اش نگه می‌دارد- به ما روی می‌آورد ... سپس آیه " وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ " را تلاوت فرمود». و در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار (علیه السلام) می‌خوانیم که در تفسیر آیه فوق فرمود: «این گروه آل محمد (صل الله علیه و آله و سلم) هستند، خداوند حضرت مهدی (علیه السلام) آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود برمی‌انگیزد و به آنها عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند».^{۲۷}

ایه ۴:

« بَقِيَةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ».^{۲۸}

در روایات متعددی می‌خوانیم که بقیة الله تفسیر به وجود حضرت مهدی (علیه السلام) " یا بعضی از امامان دیگر شده است، از جمله در کتاب اکمال الدین از امام باقر (علیه السلام) چنین نقل شده: " نخستین سخنی که حضرت مهدی (علیه السلام) پس از قیام خود می‌گوید این آیه است " بَقِيَةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ " سپس می‌گوید منم بقیة الله و حجت و خلیفه او در میان شما، سپس هیچکس بر او سلام نمی‌کند مگر اینکه می‌گوید: السلام عليك يا بقیة الله فی ارضه ". با وجود آنکه برخی از آیات قرآن در مورد خاصی نازل شده اند لکن در بردارنده مفاهیم جامعی هستند که می‌تواند در اعصار و قرون بعد بر مصداقهای کلی‌تر و وسیع‌تر، تطبیق شود بنابراین، درست است که در آیه مورد بحث، مخاطب قوم شعبیند، و منظور از " بَقِيَةُ اللَّهِ " سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است، ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد، " بقیة الله " محسوب می‌شود. تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ " بقیة الله " اند. تمام رهبران راستین که پس از مبارزه با يك دشمن سر سخت برای يك قوم و ملت باقی میمانند از این نظر بقیة الله اند. و از آنجا که حضرت مهدی موعود (علیه السلام) آخرین پیشوا و بزرگترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) است یکی از روشنترین مصداق " بقیة الله " می‌باشد و از همه به این لقب شایسته‌تر است، بخصوص که تنها باقیمانده بعد از پیامبران و امامان است.^{۲۹}

۲۷. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۷-۱۸

۲۸. هود : ۸۶ : « آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه‌های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید! و من، پاسدار شما (و مأمور بر اجبارتان به ایمان) نیستم! »

۲۹. تفسیر نمونه، ج ۹، ص: ۲۰۵-۲۰۴

آیه ۵:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^{۳۰}

آیه فوق که عینا و با همین الفاظ در سوره "صف" [آیه ۹] نیز آمده است و با تفاوت مختصری در سوره "فتح" [آیه ۲۸] تکرار شده، خبر از واقعه مهمی می‌دهد که اهمیتش موجب این تکرار شده است، خبر از جهانی شدن اسلام و عالمگیر گشتن این آئین می‌دهد. گرچه بعضی از مفسران پیروزی مورد بحث این آیه را به معنی پیروزی منطقه‌ای و محدود گرفته‌اند که در عصر پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) و یا زمانهای بعد از آن برای اسلام و مسلمین صورت پذیرفت ولی با توجه به اینکه در آیه هیچگونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنی آن را محدود کنیم مفهوم آیه پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است، و معنی این سخن آن است که سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه جهان پیروز خواهد گشت. شك نیست که در حال حاضر این موضوع تحقق نیافته ولی می‌دانیم که این وعده حتمی خدا تدریجا در حال تحقق است. سرعت پیشرفت اسلام در جهان، و به رسمیت شناخته شدن این آئین در کشورهای مختلف اروپایی، و نفوذ سریع آن در آمریکا و آفریقا، اسلام آوردن بسیاری از دانشمندان و مانند اینها همگی نشان می‌دهد که اسلام رو به سوی عالمگیر شدن پیش می‌رود. ولی طبق روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که "حضرت مهدی (علیه السلام)" ظهور کند و به برنامه جهانی شدن اسلام تحقق بخشد. "مرحوم طبرسی" در مجمع البیان "از امام باقر(علیه السلام) در تفسیر این آیه چنین نقل می‌کند: "وعده‌ای که در این آیه است به هنگام ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) از آل "محمد" (صل الله علیه و آله و سلم) صورت می‌پذیرد، در آن روز هیچکس در روی زمین نخواهد بود مگر اینکه اقرار به حقانیت محمد (صل الله علیه و آله و سلم) می‌کند." و نیز در همان تفسیر از پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) چنین نقل شده که فرمود: "بر صفحه روی زمین هیچ خانه‌ای باقی نمی‌ماند نه خانه‌هایی که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه‌هایی که از کرک و مو بافته‌اند مگر اینکه خداوند نام اسلام را در آن وارد می‌کند!" و نیز از امام صادق(علیه السلام) در تفسیر این آیه چنین نقل شده: "به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که "قائم" خروج کند و به هنگامی که او قیام کند کسی که خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی نخواهد ماند"^{۳۱}

۳۰. التوبة: ۳۳؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

۳۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص: ۳۷۳-۳۷۴

ایه ۶:

« وَ لِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مَوْلِيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ »^{۳۲}

در روایات متعددی که از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده جمله "أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا" به اصحاب حضرت مهدی (علیه السلام) تفسیر شده است. از جمله در کتاب "روضه کافی" از "امام باقر" (علیه السلام) می‌خوانیم که بعد از ذکر این جمله فرمود: "منظور اصحاب امام قائم (علیه السلام) که سیصد و سیزده نفرند، به خدا سوگند منظور از "امة معدودة" آنها هستند، به خدا سوگند در يك ساعت همگی جمع می‌شوند همچون پاره‌های ابر پائیزی که بر اثر تند باد، جمع و متراکم می‌گردد!"^{۳۳}. از امام "علی بن موسی" (الرضا) (علیه السلام) نیز نقل شده: «به خدا سوگند هنگامی که حضرت مهدی (علیه السلام) قیام کند تمام پیروان ما را از تمام شهرها گرد او جمع می‌کند».

بدون شك این تفسیر از مفاهیم "بطون" آیه است، چرا که می‌دانیم طبق روایات، آیات قرآن گاه معانی متعددی دارد که يك معنی ظاهر و همگانی عمومی است، و دیگری معنی درونی و به اصطلاح بطن آیه است، که جز پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) و کسانی که خدا بخواهد، از آن آگاه نیستند. به تعبیر دیگر: در حقیقت این روایات اشاره به آن است، خدایی که قدرت دارد ذرات پراکنده خاک انسانها را در قیامت از نقاط مختلف جهان جمع‌آوری کند، به آسانی می‌تواند یاران حضرت مهدی (علیه السلام) را در يك روز و يك ساعت برای افروختن نخستین جرقه‌های انقلاب به منظور تاسیس حکومت عدل الهی و پایان دادن به ظلم و ستم، جمع نماید.^{۳۳}

با توجه به مطالبی که بیان گردید، اینگونه به نظر می‌رسد که تفاسیر ارائه گردیده در ذیل این آیات در این نوشتار به معنی انحصار معنی آیه در قالب مطالب فوق نیست، بلکه بیان مصداق کامل است، زیرا آنچه مسلم و قطعی است، آن است که روزی شرق و غرب جهان در زیر لوای حکومت حضرت بقیة الله (علیه السلام) قرار می‌گیرد، و آئین حق که همان اسلام ناب محمدی است، در همه جا نفوذ می‌کند و ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین بر چیده می‌شود، و عبادت خالی از شرك برای جهانیان تحقق می‌یابد و این همان وعده ای است که خداوند در این آیه به مسلمان داده است.

۳۲. البقرة: ۱۴۸: « هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است (بنا بر این، زیاد در باره قبله گفتگو نکنید! و به جای آن،) در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز، حاضر می‌کند زیرا او، بر هر کاری تواناست. »

۳۳. تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۵۰۴-۵۰۳

بخش سوم : مشترکات اهل سنت و شیعه در مهدویت^{۳۴}

مهدویت و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی «علیه السلام» و ضرورت تشکیل حکومت جهانی و عدالت گستر ایشان از مشترکات شیعه و سنی است و بسیاری از روایات مهدویت مورد قبول هر دو مذهب است. اما در امت اسلام - به جز تعداد کمی مانند ابن خلدون و احمد امین مصری که در صدور روایات از پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله وسلم» تردید کرده‌اند- اتفاق دارند که در آخرالزمان شخصی به نام مهدی «علیه السلام» از فرزندان پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. و علت اصلی این اعتقاد وجود روایات متواتر در این مسئله می‌باشد. شبلینجی، دانشمند مشهور مصری، در کتاب نور الابصار چنین می‌نویسد: «اخبار متواتری از پیامبر وارد شده که مهدی از خاندان اوست و او هم زمین را از عدل و داد پر می‌کند». اهل سنت در روایات فراوانی به حقیقت «اندیشه مهدویت» اشاره کرده‌اند. اگر چه در پاره‌ای موارد تفاوت‌هایی با اعتقاد شیعه به چشم می‌خورد؛ اما موارد مشترک فراوانی نیز وجود دارد.

۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اولین مسأله‌ای که بین شیعه و اهل سنت مورد اتفاق است، حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). این موضوع یکی از مسلمات اعتقادی این دو گروه است؛ به گونه‌ای که ده^{۳۵}ها و بلکه صدها روایت در این زمینه، در منابع روایی آنها وجود دارد.

۲. نسب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یکی از مواردی که بین شیعه و سنی تا حدودی اتفاق نظر وجود دارد، تبار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. شیعه این نسب را تا پدر بزرگوار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به روشنی تمام، مشخص و معرفی کرده است، اما اهل سنت در موارد معینی، بدان اشاره کرده که از این قرار است:

۱-۲. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اهل بیت و فرزندان رسول خدا

ابن ماجه در سنن خود نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَصْلِحُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي لَيْلَةٍ»^{۳۵} «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند یک شبه امر او را به سامان می‌آورد». رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «يُخْرِجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُهُورِ مِنَ الْفِتْنِ يَكُونُ عَطَاؤُهُ حَثِيًّا»^{۳۶} «هنگام پایان زمان

۳۴. خدامراد سلیمان، مشترکات اهل سنت و شیعه در مهدویت، درنامه مهدویت ۱-ص ۸۷ تا ص ۹۷

۳۵. ابن ماجه، سنن، ج ۲، ح ۴۰۸۵؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۷؛ دلائل الامامة، ص ۲۴۷.

۳۶. ابن ابی شیبه، الكتاب المصنف، ح ۳۷۶۳۹؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۴۸۳.

و آشکار شدن فتنه‌ها، مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد که بخشش او بسیار است.» صنعانی در المصنف از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) آورده است: «... فَيَبِغُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِزَّتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي ...»^{۳۷} «...پس خداوند مردی از عترت و اهل بیت مرا بر انگیزد ...»^{۳۸}.

۲-۲. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نسل حضرت علی (علیه السلام)

از دیگر موارد اتفاق روایات بین شیعه و سنی، این است که آن حضرت از نسل امام علی (علیه السلام) است. سیوطی در عرف الوردی نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، دست علی (علیه السلام) را گرفت و فرمود: «سیخرج من صلب هذا فتی یملاً الأرض قسطاً و عدلاً»^{۳۹} «از نسل این شخص، به زودی جوانی خروج خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد می‌کند...». جوینی شافعی در فرائد السمطين از ابن عباس نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي وَ مِنْ وَ لَدِهِ الْقَائِمُ الْمُتَنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا...»^{۴۰} «همانا علی بن ابی‌طالب امام امت من و جانشین من بر آنان بعد از من است. از فرزندان او، قائم منتظر است که خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ آن گونه که پر از ستم و بیداد شده باشد...». شیخ صدوق (ره) از حضرت باقر (علیه السلام) چنین آورده است: «امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هنگام بازگشت از نهر روان در کوفه خطبه می‌خواند، در این میان خبر رسید که معاویه از او بدگویی می‌کند و بر او نفرین می‌فرستد و یارانش را می‌کشد، حضرت بلند شد و خطبه‌ای خواند تا بدان جا که فرمود: از فرزندان من است مهدی این امت»^{۴۱}.

۳-۲. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نسل فاطمه (علیها السلام)

در روایات فراوانی از اهل سنت، به این مطلب تصریح شده که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است: ابن ماجه از ام سلمه نقل کرده که وی از رسول خدا (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین شنید: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَ لَدِ فَاطِمَةَ»^{۴۲} «مهدی از فرزندان فاطمه است»^{۴۳}. شیخ طوسی نیز از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است: «مهدی مردی از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است»^{۴۴}.

۳۷. صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۷۰؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج ۱۰، ح ۱۰۲۱۳.

۳۸. و نیز: ر. ک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۳۶.

۳۹. جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، کتاب: العرف الوردی، ص ۷۴ و ص ۸۸.

۴۰. جوینی شافعی، فرائد السمطين، ج ۲، ۳۲۷، ح ۵۸۹؛ شیخ صدوق (ره)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷، باب ۲۵، ح ۷.

۴۱. شیخ صدوق (ره)، معانی الاخبار، ص ۶۱.

۴۲. سنن ابن ماجه، ح ۴۰۸۶؛ ابی داود، سنن ابی داود، ج ۴، ح ۴۲۸۴؛ نعیم بن حماد، الفتن، ص ۳۷۵؛ حاکم، المستدرک، ج ۴، ص ۵۵۷.

۳. ویژگی‌های جسمانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

در باره ویژگی‌های جسمانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور، روایات فراوانی در کتاب^{۴۵} های شیعه و اهل سنت آمده است. بعضی از این ویژگی‌ها بدین قرار است:

۳-۱. قدرتمند بودن آن حضرت هنگام ظهور

در روایاتی تأکید شده که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور دارای بدنی بسیار قدرتمند است.^{۴۵}

۳-۲. چهره نورانی

جوینی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت کرده است: «الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي ... كَأَنَّ وَجْهَهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ...»^{۴۶} «مهدی از فرزندان من است ... چهره‌اش همانند ستاره‌ای درخشان است».

۳-۳. پیشانی بلند و بینی کشیده

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با پیشانی بلند و بینی کشیده، توصیف شده و این تعبیر فراوان در احادیث اسلامی آمده است. صنعانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل کرده است: «ان المهدي اقنى اجلى»^{۴۷} «مهدی بینی کشیده (با انحناى وسط) و بلند پیشانی است». این مضمون در کتاب‌های اهل سنت، مورد اشاره قرار گرفته است. از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده که به امام حسین (علیه السلام) نگاه کرد و فرمود: «خداوند از نسل این، کسی را به وجود خواهد آورد که هم نام پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) باشد... او مردی است پیشانی بلند و کشیده بینی...»^{۴۸}.

۳-۴. خال بر گونه

شیخ صدوق (ره) نقل کرده است: «بر گونه راست آن حضرت خالی است...»^{۴۹} در منابع اهل سنت نیز بدان اشاره شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «... بر گونه راست مهدی، خالی مشکی وجود دارد...»^{۵۰}.

۳-۵. ظهور در سن چهل سالگی^{۵۱}

۴۳. ونیز: ر. ک: کنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۳۰؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۳۵؛ جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۶۹.

۴۴. محمد بن حسن طوسی (ره)، کتاب الغیبة، ص ۱۸۷.

۴۵. البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۷۸؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۹.

۴۶. جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ح ۵۶۵؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۰.

۴۷. صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷۳؛ سنن ابی داود، ج ۴، ح ۲۴۸۵.

۴۸. نعمانی، الغیبة، ۲۱۴، ح ۲؛ کشف الغمة، ج ۳، ۲۵۹ و محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۲۵۸.

۴۹. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ح ۴، ج ۲، ۴۴۵، ح ۱۹.

۵۰. گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، باب ۸، ح ۵۱.

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «... مهدی از فرزندان من است، در سن چهل سالگی بر انگیخته خواهد شد...». ^{۵۲} قطب راوندی نیز نقل کرده است: «نشانه قائم ما هنگام خروج این است که از لحاظ سن، کهنسال؛ ولی از نظر چهره، جوان است. تماشاگر وی گمان می برد که او چهل ساله یا نزدیک به آن است...». ^{۵۳} در برخی از روایات نیز بدون اشاره به سن حضرت هنگام ظهور، تنها به جوان بودن ایشان اشاره شده است. ^{۵۴}

۴. هم نام بودن حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) با پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم)

اهل سنت و شیعه اتفاق نظر دارند که حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم نام رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) است. ^{۵۵} حتی در روایاتی تصریح به نام آن حضرت شده؛ چنان که ابن مسعود از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) نقل کرده است: «اسم المهدی محمد». ^{۵۶}

۵. زمینه های ظهور

بعضی از تحولات اجتماعی پیش از ظهور، هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت مورد اشاره قرار گرفته است:

۵-۱. ناامیدی کامل مردم

داود ابن کثیر الرقی می گوید: به حضرت صادق(علیه السلام) عرض کردم: این موضوع (ظهور) برای ما طولانی شد تا بدان جا که سینه های ما تنگ شده است... حضرت(علیه السلام) فرمود: «هنگامی که ناامیدی از فرج ما بیش از همه چیز شد... منادی از آسمان به اسم قائم ندا خواهد داد...» ^{۵۷} پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله وسلم) به حضرت علی(علیه السلام) فرمود: «ای علی! ظهور مهدی هنگامی خواهد بود که شهرها دگرگون شده، بندگان خدا ضعیف و از فرج و ظهور مهدی مأیوس گردند؛ در این هنگام مهدی قائم از فرزندان من ظاهر گردد». ^{۵۸}

۵۱. البته تفاوت شیعه با اهل سنت در این است که شیعه ظهور حضرت مهدی را در سن پیری و هیئت چهل سالگی می داند، ولی اهل سنت در سن چهل سالگی.

۵۲. جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ح ۵۶۵، ح ۵۶۵؛ نیز ر. ک: الحاوی للفتاوی، ص ۷۸، عقد الدرر، ص ۶۱.

۵۳. راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ۱۱۷۰؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ۳۱۵، ح ۲.

۵۴. البيان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۸۴، ح ۵۳؛ الحاوی للفتاوی، ص ۸۸؛ عقد الدرر، ص ۶۵.

۵۵. مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۴۵، ص ۵۵.

۵۶. جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۸۸.

۵۷. نعمانی، الغيبة، ص ۱۸۶، ح ۲۹.

۵۸. قندوزی، ینابیع المودة، ص ۵۲۸؛ و نیز ر. ک: البيان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۴۲، ح ۲۱؛ الحاوی للفتاوی، ص ۹۲.

۲-۵. فراگیر شدن ستم

رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرموده است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا...»^{۵۹} «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از اهل بیتم بر انگیخته شود و زمین را آکنده از عدل و قسط کند؛ آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

۶. نشانه‌های ظهور

در منابع روایی شیعه از پاره‌ای از حوادث آینده با عنوان نشانه‌های ظهور یاد شده است. این نشانه‌ها^{۶۰} به دو دسته حتمی و غیرحتمی تقسیم شده و بعضی از آنها در منابع اهل سنت مورد اشاره قرار گرفته است:

۱-۶. ندای آسمانی

رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «در ماه محرم بانگی از آسمان برآید، بدین مضمون که: برگزیده خداوند فلان (مهدی) است؛ پس سخنش را بشنوید و از او پیروی کنید».^{۶۰}

امام علی بن ابی طالب(علیه السلام) نیز فرمود: «هنگامی که بانگ برآورنده از آسمان، بانگی برآورد که حق در آل محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) است؛ در این هنگام مهدی ظهور خواهد کرد...».^{۶۱}

امام صادق(علیه السلام) فرمود: «النِّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُمِ...»^{۶۲} «ندا [ی آسمانی] از نشانه‌های حتمی است».

۲-۶. سفیانی

یکی دیگر از نشانه‌های ظهور مهدی موعود، قیام شخصی با عنوان سفیانی است. در احادیث شیعه در روایات فراوانی بر حتمی بودن آن تاکید شده است.^{۶۳} در برخی از احادیث اهل سنت نیز با صراحت از آن به عنوان یکی از نشانه‌های خروج مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) یاد شده است.^{۶۴}

گفتنی است روایات شیعه در این^{۶۵} باره، به حدی است که برخی برای آن ادعای تواتر کرده‌اند.^{۶۵}

۵۹. ابی داود، سنن ابی داود، ج ۴۲۸۲.

۶۰. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۹۳؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۷۹، ص ۸۳، ص ۹۹؛ ر. ک: فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۶؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۳.

۶۱. جعفر بن محمد ابن المنادی، الملاحم، ص ۱۹۶، ج ۱۴۳.

۶۲. نعمانی، الغیبة، ج ۱۱.

۶۳. ر. ک: نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۷، ج ۱۵ و ص ۲۶۴، ج ۲۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۰، ج ۵؛ محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۳۵.

۶۴. الحاوی للفتاوی، ص ۸۰؛ عقد الدرر، ص ۷۶؛ و نیز ر. ک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷۳.

۳-۶. خسف در بیداء

واژه «خسف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است. منظور از این نشانه این است که سفیانی با لشکری عظیم، به قصد جنگ با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عازم مکه می‌شود. آنان در بین مکه و مدینه و در محلی معروف به «بیداء»، به گونه‌ای معجزه‌آسا در زمین فرو می‌روند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرمود: «... فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ جَيْشٌ مِنْ الشَّامِ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ خُسِفَ بِهِمْ...»؛^{۶۶} «گروهی از شام به سوی او برانگیخته می‌شوند؛ چون به منطقه بیداء می‌رسند، به زمین فرو برده می‌شوند».^{۶۷}

۴-۶. قتل نفس زکیه

یکی از نشانه‌هایی که از آن به عنوان نشانه حتمی یاد شده و در برخی از منابع اهل سنت نیز بدان اشاره گشته است؛ کشته شدن انسانی پاک و بی گناه در آستانه قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بین رکن و مقام است.^{۶۸}

۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۱-۷. اصلاح امر ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در یک شب

از روایاتی استفاده می‌شود که امر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در یک شب اصلاح و مهیا می‌گردد. این مطلب نیز از اموری است که هم شیعه و هم اهل سنت بدان اشاره کرده‌اند.^{۶۹}

۲-۷. محل ظهور

درباره نقطه آغاز ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و پیوستن یاران خاص به او، احادیث فراوانی ذکر شده است. وجه اشتراک این روایات، این است که ظهور آن حضرت از مکه^{۷۰} و بر اساس روایات فراوانی از کنار کعبه آغاز خواهد شد. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «دسته‌هایی از عراق و بزرگانی از شام، به سوی مهدی می‌آیند و با او میان رکن و مقام بیعت می‌کنند...»^{۷۱} و نیز فرمود: «... با مهدی بین رکن و مقام بیعت می‌شود».^{۷۲}

۶۵. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۶، ص ۵۶۸.

۶۶. صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۳۷۱.

۶۷. و نیز ر. ک: طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷۷؛ ح ۳۱۵۱۳؛ البیان، ص ۴۴، ح ۲۳؛ عقد الدرر، ص ۸۰؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۱.

۶۸. ابن ابی شیبیه، المصنف ج ۸، ص ۶۷۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷۷؛ جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص ۷۸.

۶۹. البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۳۱، ح ۱۱؛ الحاوی للفتاوی، ص ۶۹؛ عقد الدرر، ص ۲۱۰.

۷۰. نعمانی، الغیبة، ص ۳۱۳، ح ۴ و ۳۱۵، ح ۹؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب ۲، ص ۵۶.

۷۱. نعیم بن حماد، الفتن، بخش چهارم، ص ۲۴۲، ح ۹۵۰.

۷۲. مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب ۲، ص ۵۶.

البته روایات فراوانی به بیعت آن حضرت با یارانش در میان رکن و مقام اشاره کرده است.^{۷۳}

۷-۳. بیعت با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یکی از موضوعاتی که در منابع شیعی و سنی مورد توجه قرار گرفته، بیعت یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با ایشان در طلوعه ظهور است.^{۷۴} همچنین در باره محل بیعت با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روایات مشترکی نقل شده است.^{۷۵}

۷-۴. نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

از جمله موضوعات مشترک، بین شیعه و سنی، نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگام ظهور است.^{۷۶}

۷-۵. نزول عیسی (علیه السلام) و اقتدا به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یکی از حوادث بسیار مهم در عصر ظهور بازگشت حضرت عیسی (علیه السلام) است. این رخداد در روایات بسیاری مورد اشاره قرار گرفته است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم کانما یقطر من شعره الماء، فیقول المهدی: تقدم، وصل بالناس فیقول عیسی بن مریم: انما اقيمت الصلاة لك فیصلی عیسی خلف رجل من ولدی...»^{۷۷} «مهدی می بیند که عیسی فرود آمده و گویا آب از موهایش می چکد. پس به او می گوید: جلو برو و به نماز بایست؛ عیسی پاسخ می دهد: نماز برای تو، به پا شده و آن گاه پشت سر مهدی به نماز می ایستد...».

همچنین فرموده است: «... جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! خداوند متعال از بنی هاشم هفت چیز را برگزید... و از شما است قائمی که عیسی بن مریم پشت سر وی به نماز می ایستد...»^{۷۸} امام صادق (علیه السلام) فرمود: «... وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَصَلِّيَ خَلْفَهُ...»^{۷۹} «... و روح الله عیسی بن مریم فرود آمده، پشت سر او به نماز خواهد ایستاد...».

۷۳. ر. ک: صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۳۷۱؛ ابن حبان، صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۱۵۹؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۹۶؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۵.

۷۴. گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۳۵، ج ۱۵؛ الحاوی للفتاوی، ص ۸۳؛ عقد الدرر، ص ۸۸؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۵۶۹.

۷۵. البیان، ص ۴۴، ج ۲۳؛ عقد الدرر، ص ۵۶.

۷۶. عقد الدرر، ص ۴۶، صص ۱۱۷، ص ۱۸۵؛ الحاوی للفتاوی، ص ۸۸؛ البیان، ص ۸۴، ح ۵۳.

۷۷. مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۹۲؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۷۸.

۷۸. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۵۰، ح ۱۰.

۸. ویژگی‌های حکومت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۸-۱. عدالت گستری

بر اساس روایات فراوانی عدل و قسط از مهم‌ترین اهداف قیام حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. این مهم علاوه بر روایات شیعه، در انبوه روایات اهل سنت نیز مورد اشاره قرار گرفته است.^{۸۰}

۸-۲. رفاه و آسایش عمومی

از دیگر ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) رفاه عمومی است. این ویژگی نیز در روایات شیعه و سنی ذکر شده است.^{۸۱} رسول اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... تَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ»^{۸۲}؛ «مهدی در امت من خواهد بود... مردم در زمان او چنان زندگی خواهند کرد که هرگز قبل از آن نکرده بودند».

و نیز فرمود: «يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ ... يَتَنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ»^{۸۳} «مهدی در امت من خواهد بود ... مردم در آن دوره به چنان نعمتی دست یابند که در هیچ دوره‌ای چنین متنعم نشده باشند».

۸-۳. رضایت همگانی از حکومت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

تمامی مردم پس از ظهور و در دوران حکومت امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) از حاکمیت آن حضرت رضایت کامل خواهند داشت. این مهم هم در روایات شیعه و هم در روایات اهل سنت ذکر شده است.^{۸۴}

۸-۴. امنیت همه جانبه و عمومی

از ویژگی‌های مهم جامعه عصر ظهور، امنیت فراگیر و همگانی در کل کره زمین است.^{۸۵} امام باقر(علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «به خدا سوگند! [ایاران مهدی] آن اندازه می‌جنگند، تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شرک نوزند تا آنجا که پیرزنی سالخورده و ناتوان، از این سوی جهان به آن سوی جهان رهسپار می‌شود و کسی متعرض او نمی‌گردد».^{۸۶}

۷۹. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۸۰. مصنف ابن ابی شیبیه، ح ۱۹۴۸۴؛ سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲؛ معجم الکبیر طبرانی، ح ۱۰۲۱۹ و ح ۱۰۲۲۰.

۸۱. البیان، ص ۴۳، ح ۲۲؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۱، عقد الدرر، ص ۱۹۵.

۸۲. ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۷، ح ۱۹۴۸۴.

۸۳. ابن ماجه قزوینی، سنن، ح ۴۰۸۳؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الاثمة، ج ۳، ص ۲۵۷.

۸۴. صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷۰، البیان، ص ۴۲، ح ۲۱؛ الحاوی للفتاوی، ص ۶۹؛ عقد الدرر، ص ۷۳؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۰، ح ۵۶۱.

۸۵. مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۰۷.

۸۶. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۷۹.

۵-۸. احساس بی‌نیازی در مردم

یکی از خصلت‌های مردم در عصر ظهور احساس بی‌نیازی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ ... وَ يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَنِيٍّ ...»^{۸۷}؛ «شما را به مهدی بشارت می‌دهم... [به هنگام ظهور او] خداوند دل‌های امت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را سرشار از بی‌نیازی می‌کند...»^{۸۸}.

۶-۸. غلبه اسلام بر سایر ادیان

از دیگر موضوعات مشترک بین شیعه و اهل سنت، غلبه اسلام بر دیگر ادیان، در عصر ظهور است.^{۸۹}

۷-۸. جهانی بودن حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

شمار زیادی از احادیث اسلامی بر فراگیری حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأکید کرده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «... يبایح له الناس بين الركن و المقام، یردالله به الدین و یفتح له فتوحاً، فلا یبقی علی وجه الارض الا من یقول: لا اله الا الله»^{۹۰}؛ «...مردم در میانه رکن و مقام [با مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] بیعت می‌کنند؛ خداوند به واسطه او، دین را برمی‌گرداند و پیروزی‌هایی برای او به وجود می‌آورد تا بدان جا که هیچ کس بر زمین باقی نمی‌ماند، مگر آنکه «لا اله الا الله» را می‌گوید. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»^{۹۱}؛ «هنگامی قائم قیام نماید هیچ زمینی نخواهد ماند، مگر آنکه در آن ندای شهادتین (اشهد أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله) سر داده خواهد شد».

۸۷. احمدین حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۷؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، باب ۸، ص ۲۱۹.

۸۸. و نیز: ر. ک: البیان، ص ۶۱، ح ۳۸؛ الحاوی للفتاوی، ۷۶.

۸۹. عقد الدرر، ص ۹۵.

۹۰. مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب دوم، یک حدیث به آخر.

۹۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۸۱.

بخش چهارم: نسب پدری، پدر، مادر و ولادت حضرت مهدی (عج) ^{۹۲}

مهدویت، اصلی اساسی و انکار ناپذیر در میان امت اسلام است که شیعه و سنی آن را یکی از مسائل مهم اسلامی به شمار می آورند تاجایی که اهل سنت اعتقاد به مهدویت را واجب و منکر آن را کافر می دانند ^{۹۳}

با دقت در روایات معتبر به این نکته پی می بریم که «مهدی» لقب آن موعود آخر الزمان است که در احادیث اهل سنت و شیعه به حسب و نسب وی که از نسل پیامبر (ص) و فاطمه (س) و امام حسین (ع) است، بطور صریح اشاره شده است، که این مسئله می تواند به عنوان یکی از مسائل مشترک و وحدت آفرین بین دو فرقه مطرح شود. با دقت در منابع فریقین به این نتیجه می رسیم که که مهدی (عج) از نسل پیامبر (ص) و فاطمه (س) است که ایشان، همان فرزند بلافضل امام حسن عسکری (ع) می باشد که شیعه به آن معتقد می باشد.

هرچند اهل سنت در اینکه نسب حضرت مهدی (ع) به رسول خدا (ص) و فاطمه (س) می رسد، تردید و شک ندارند؛ ولی در منابع آنها احادیث متناقضی درباره نسب حضرت به چشم می خورد که بعضی نام پدر او را عبدالله ^{۹۴} می دانند؛ برخی ایشان را از نسل عباس ^{۹۵} معرفی می کنند و عده ای دیگر نسب او را به امام حسن (ع) می رسانند. بخاطر آگاهی بیشتر، روایاتی که در باره نسب حضرت مهدی (ع) وارد شده است را مورد بررسی قرار می دهیم تا حقیقت بر همگان روشن شود .

۹۲. برگرفته از مقاله « نسب حضرت مهدی (عج) در منابع اهل سنت »، وحید خورشید

۹۳. اکبر نژاد، دکتر مهدی اکبر نژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و سنی، قم، بوستان کتاب ۱۳۸۷، چاپ دوم، ص ۳۲۸-۳۳۳ به نقل از متقی هندی در «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» که ایشان فتاوی مذاهب چهار گانه را در باره مدعیان و منکران مهدویت را ذکر می کند.

۹۴. در برخی روایات به ویژه در «سنن ابن ماجه ج ۴ ص ۱۷۳» آمده است که پیامبر (ص) مهدی (ع) را همان خود و پدرش (اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی) خوانده است در حالی که در بسیاری از روایات (اسم ابیه اسم ابی) نیامده است و با روایاتی که او را از نسل فاطمه (ع) و حسین (ع) و امام عسکری (ع) می توان مقابله را ندارد. وشکی نیست که این روایت (.. اسم ابیه اسم ابی) از جعلیات عباسیان است برای اینکه بتوانند از مردم برای محمد بن عبدالله (مهدی عباسی) بیعت بگیرند، به این کار دست می زدند.

۹۵. در منابع اهل سنت روایاتی به چشم می خورد که «مهدی را فرزند عباس می داند» این روایت در «الفتن» ابن حماد ص ۲۳۰ آمده است. این روایت با احادیثی که مهدی (ع) را فاطمی و حسینی معرفی می کند در تعارض است و همچنین مسلم است که مهدی (ع) از اهل بیت است که بیان خواهد شد. بنابراین این روایت قابل قبول نمی باشد .

مهدی(ع)، «کنانی قرشی هاشمی» است

مقدسی شافعی در کتاب «عقد الدرر» نقل کرده که «قتاده» گوید: «از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی(ع) بر حق است؟ گفت: آری. گفتیم: مهدی(ع) از چه طایفه ای است؟ گفت: از کنانه^{۹۶}. گفتیم: بعد از آن؟ گفت: از قریش. گفتیم: بعد از آن؟ گفت: از بنی هاشم. گفتیم: بعد از آن؟ گفت: از فرزندان فاطمه(س) است»^{۹۷}

هرچند در ظاهر این روایت، تناقض دیده می شود؛ چون مهدی(عج) یک بار از کنانه و بار دیگر از قریش و بار دیگر از بنی هاشم شمرده شده است لکن این تناقض قابل جمع است زیرا هر هاشمی از قریش و هر قریشی نیز از کنانه است.

مهدی(ع) از اولاد عبدالمطلب است

ابن ماجه از انس بن مالك نقل می کند که پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «ما فرزندان عبدالمطلب؛ من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی، سروران اهل بهشت هستیم»^{۹۸}

این روایت در حقیقت، حدیث قبلی را مقید می کند؛ چون عبدالمطلب جد پیامبر (ص)، فرزند هاشم است و فرزندان عبدالمطلب که مهدی (عج) هم از آنها است، هاشمی هستند. در نتیجه نسب امام مهدی (ع) بعد از آن که بطور مطلق به قریش می رسد، منحصر در اولاد عبدالمطلب شده است.

مهدی(ع)، فرزند ابو طالب است

سیف بن عمیر چنین گوید: نزد منصور دوانیقی بودم، بی مقدمه آغاز سخن کرد و گفت: ای سیف بن عمیره بناچار بنام مردی از نژاد ابی طالب از آسمان ندا شود! گفتیم ای امیر المؤمنین، قربان شما این حدیث را روایت می کنی؟ گفت: آری سوگند بدان که جانم بدست او ست بگوش خود شنیده ام، گفتیم: ای امیر المؤمنین من این حدیث را پیش از این شنیده بودم! منصور گفت: ای سیف این حدیث حق است و هر گاه چنین شود ما نخستین کسی هستیم که آن را اجابت کنیم، آگاه باش که این آواز درباره مردی از پسر عموهای ما است، گفتیم: از نسل فاطمه علیها السلام؟ گفت: آری، ای سیف اگر این

۹۶. «بنی کنانه» گروهی از «مضر» هستند. مضر، دارای فرزندی بود که پدران و اجداد پیامبر(ص) بودند تا به «نضر» منتهی می شود. مقصود از «کنانه»، کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان (جد پیامبر اسلام(ص)) است.

۹۷. مقدسی، علامة الشیخ یوسف بن یحیی بن علی المقدسی السلمی الشافعی، «عقد الدرر فی أخبار المنتظر»، قاهره، مکتبه عالم الفکر بالقاهرة (بی تا) ص ۲۲-۲۳ باب اول «قلت لسعید بن المسیب: المهدی حق؟ قال: حق. قلت: ممن؟ قال: من کنانه. قلت: ثم ممن؟ قال: من قریش. قلت: ثم ممن؟ قال: من بنی هاشم. قلت: ثم ممن؟ قال: من ولد فاطمة(علیها السلام)»

۹۸. ابن ماجه، محمد بن یزید أبو عبدالله القزوی، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار الفکر (بی تا) ج ۲ ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۷ «نحن ولد عبدالمطلب سادة أهل الجنة: أنا، وحمزة، وعلی، وجعفر، والحسن، والحسین، والمهدی»

حدیث را از حضرت محمد بن علی باقر (علیه السلام) نشنیده بودم اگر همه مردم روی زمین برایم می‌گفتند، باور نمی‌کردم، ولی گوینده محمد بن علی (ع) است.^{۹۹}

مهدی (ع) از اهل بیت و اولاد پیامبر (ص)

در بیشتر احادیث مهدویت بر این نکته تأکید شده است که منجی عالم بشریت از اهل بیت و از اولاد رسول خدا (ص) است و شاید این تأکید بخاطر این است که مدعیان بسیاری در آینده می‌آیند و مهدی موعود را از خود بدانند بخاطر اینکه جلوی این ادعا گرفته شود، روایات با اهتمام بیشتر، نسب او را به طور صریح بیان می‌کنند. برای نمونه به چند حدیث بسنده می‌کنیم. ابن ابی شیبیه از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل می‌کند که فرمودند: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا^{۱۰۰} «اگر از روزگار روزی نماند مگر یک روز، خدا مردی از اهل بیت مرا می‌فرستد که زمین را از عدل پر می‌کند همچنانکه از ظلم پر شده باشد».

قندوزی از پیامبر چنین روایت می‌کند که فرمودند: «المهدی من ولدی، تكون له غيبة، إذا ظهر يملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما.»^{۱۰۱} «مهدی (ع) از فرزندان من است که دارای غیبتی می‌باشد زمانی که ظهور کند، زمین را پر از قسط و عدل کند همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد»

مهدی (ع) فرزند علی علیه السلام

از مشترکات بین شیعه و سنی این است که هر دو فرقه، امام مهدی (ع) را از نسل علی (ع) می‌دانند. جوینی از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمودند: علی بن ابی طالب (ع) امام امت من است و جانشین من در میان آنها است و از فرزندان اوست قائم منتظر (ع) که زمین را از عدل و داد پر می‌کند هم چنان که از ظلم و جور پر شده باشد^{۱۰۲}

۹۹. عقدالدرر فی أخبار المنتظر، همان ص ۱۴۹ باب رابع «كنت عند أبي جعفر المنصور، فقال لي ابتداءً: يا سيف بن عمير، لا بد من مناد ينادي من السماء باسم رجل من ولد أبي طالب، فقلت: جعلت فداك يا أمير المؤمنين تزوي هذا. قال: أي والذي نفسي بيده لسمع أذناني له. فقلت: يا أمير المؤمنين، إن هذا الحديث ما سمعته قبل وقتي هذا. فقال: يا سيف، إنه الحق، وإذا كان فنحن أولى من يجيبه، أما إن النداء إلى رجل من بني عمنا فقلت: رجل من ولد فاطمة؟ قال: نعم يا سيف، لولا أني سمعته من أبي جعفر محمد بن علي وحدثني به أهل الأرض كلهم ما قبلته، ولكنه محمد بن علي، عليهما السلام»

۱۰۰. أبي شيبه، أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه العبسي الكوفي (۱۵۹ - ۲۳۵ هـ)، المصنف، تحقيق: محمد عوامة. هند، مع طبعة الدار السلفية الهندية القديمة (بی تا) ج ۱۵ ص ۱۹۸

۱۰۱. قندوزی، شیخ سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی (۱۲۲۰ - ۱۲۹۴ هـ) ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، قم، دار الاسوة للطباعة والنشر المطبعة: تاریخ النشر: ۱۴۱۶ هـ چاپ اول ج ۳ ص ۲۶۷

۱۰۲. جوینی، علی بن محمد جوینی خراسانی، فرائد السمطين، بیروت، موسسه محمودی ۱۴۰۰ هـ ق، چاپ اول ج ۲ ص ۲۲۷

امام مهدی (ع) از نسل فاطمه علیها السلام

تاکنون چند روایت نقل شد که دلالت می‌کند بر این که مهدی (ع) از قریش و از نسل عبدالمطلب، ابو طالب، اهل بیت پیامبر و از فرزندان علی (ع) است.

لکن احادیث فراوانی در کتابهای مهم اهل سنت وجود دارد که امام مهدی (ع) را از نسل فاطمه (س) می‌دانند. ابن ماجه در سنن خود با اسناد خویش از سعید بن مسیب از ام سلمه نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمودند: «المهدی من ولد فاطمة»^{۱۰۳} مهدی (ع) از فرزندان فاطمه (س) است. در مضمون همین روایت، بخاری در کتاب «تاریخ کبیر» از سعید بن مسیب از ام سلمه نقل کرده که پیامبر (ص) فرمودند: «المهدی حق و هو من ولد فاطمة»^{۱۰۴} «مهدی (ع) حق است و از اولاد فاطمه (س) می‌باشد» نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که افرادی مثل ابن حجر در الصواعق المحرقة^{۱۰۵} و متقی هندی در کنز العمال^{۱۰۶} این روایت را از صحیح مسلم نقل کرده اند. با وجود اینکه علمای بنام اهل سنت این روایت را از صحیح دانسته و از مسلم نقل کرده‌اند ولی متأسفانه در چاپ های موجود کتاب «صحیح مسلم»، اثری از این روایت دیده نمی‌شود که نشان از حذف این حدیث در این کتاب دارد. بنابراین دانشمندان اهل سنت بر این باورند که امام مهدی (ع) از نسل فاطمه (ع) است.

مهدی (ع) از فرزندان امام حسین (ع)

هر چند بعضی از اهل سنت در اینکه امام مهدی (ع) از نسل امام حسن (ع) است یا امام حسین (ع)، باهم اختلاف دارند ولی روایاتی در منابع اهل سنت به چشم می‌خورد که حضرت را از نسل امام حسین (ع) می‌دانند که بررسی این روایات درباره نسب امام مهدی (ع)، شاید گامی در وحدت و اتفاق بین فریقین در مسئله مهدویت بشمار برود و با قرار دادن این روایات در کنار روایات شیعی به جعلی بودن روایاتی که مهدی (عج) را از نسل امام حسن (ع) می‌دانند، پی می‌بریم. نعیم بن حماد از علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «یخرج رجل من ولد حسین اسمه اسم نبیکم یفرح بخروجه أهل

۱۰۳. سنن ابن ماجه، همان، ج ۲، ص ۱۳۶۸

۱۰۴. بخاری، محمد بن إسماعیل بن إبراهيم أبو عبدالله البخاری الجعفی، التاریخ الکبیر، تحقیق: السید هاشم الندوی، بیروت، دار الفکر، (بی تا) ج ۳، ص ۳۴۶

۱۰۵. هبثمی، أبی العباس أحمد بن محمد بن محمد بن علی ابن حجر الهیتمی، صواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۷، چاپ اول، ج ۲، ص ۴۷۶

۱۰۶. متقی هندی، علی بن حسام الدین المتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۹، ج ۱۴، ص ۳۲۱

السماء و الأرض»^{۱۰۷} «مردی از فرزندان امام حسین(ع) قیام خواهد کرد که نامش همانم پیامبر(ص) است، ساکنان آسمان و زمین از قیامش، خوشحال خواهند شد»

روایات فراوان دیگر از رسول خدا (ع) و امیرمومنان (ع) در منابع اهل سنت وجود دارد که مهدی(ع) راحسینی می‌داند.^{۱۰۸} لکن در کتابهای اهل سنت یک روایت وجود دارد که مهدی(عج) را از نسل امام حسن(ع) معرفی کرده است که در ظاهر با احادیثی که امام مهدی (ع) را از نسل امام حسین(ع) می‌داند، در تعارض است. براین اساس این روایت را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا معلوم شود که آیا این روایت توان معارضه با احادیث فراوان صحیحی که حضرت راحسینی معرفی می‌کند، دارد یا نه؟

بررسی حدیث «مهدی(ع) از فرزندان امام حسن(ع) است»

برخلاف نظر امامیه و اکثریت اهل سنت که مهدی(ع) را از نسل حسین(ع) می‌داند، رأیی در میان عده‌ای از اهل سنت شهرت یافته که وی را از نسل امام حسن(ع) بشمار می‌آورد. مستند این رأی حدیثی است از امام علی علیه السلام که به تبیین آن می‌پردازیم.

ابوداود در سنن خود چنین نقل کرده است: حَدَّثْتُ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ أَبِي قَيْسٍ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَنَظَرَ إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ فَقَالَ إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَسَيُخْرَجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ يَسْمَى بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يَشْبَهُهُ فِي الْخُلُقِ وَلَا يَشْبَهُهُ فِي الْخَلْقِ ثُمَّ ذَكَرَ قِصَّةَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا»^{۱۰۹}

«علی نگاهی به حسن افکند و فرمودند: این فرزند من آقا و بزرگوار است آنگونه که پیغمبر او را نامیده است و از نسل او مردی قیام کند که همانم پیامبرتان بوده و در خلق و خوی، شبیه اوست؛ ولی در خلقت (چهره، اندام)، شبیه او نیست، سپس عدالت گستری او را حکایت کرد.

در بررسی و نقد این حدیث می‌توان نکات ذیل را بر شمرد:

۱۰۷. نعیم بن حماد، ابی عبد الله نعیم بن حماد المروزی ت ۲۲۹ هـ / ۸۴۴ م) کتاب الفتن بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع (بی تا)، ص ۴۲۵

۱۰۸. ابن ابی الحدید المدائنی، شرح نهج البلاغه، انتشارات کتابخانه مرعشی نجفی ۱۳۳۷، چاپ اول، ج ۱ ص ۲۸۲، از امام علی (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: مهدی از نسل حسین (ع) است.

۱۰۹. ابی داود، أبو داود سلیمان بن الأشعث السجستانی، سنن ابی داود، بیروت، دار الکتب العربی (بی تا). - بیروت، ج ۴ ص ۱۷۷

- ۱- ابن اثیر جزری (۸۳۳م) همین حدیث را از ابوداود نقل کرده ولی در آن به جای لفظ حسن(ع)، لفظ حسین(ع) آمده و گفته است: صحیح این است که مهدی (ع) از نسل حسین بن علی (ع) می‌باشد.^{۱۱۰}
- ۲- منذری شارح سنن ابو داود در شرح این روایت گفته است که ابی اسحاق^{۱۱۱} نمی‌تواند مستقیم از علی علیه السلام حدیث نقل کند از این رو حدیثی که او از آن حضرت نقل کرده و ابی داود هم آورده است، منقطع می‌باشد.^{۱۱۲}
- ۳- این روایت ضعیف است؛ زیرا کسی که از هارون بن مغیره برای ابو داود حدیث کرده است، مجهول بوده و معلوم نیست چه کسی است.
- ۴- این حدیث با احادیث فراوان دیگری که مهدی (ع) را از نسل حسین (ع) می‌دانند و از نظر بسیاری از اهل سنت صحیح هستند، در تعارض است و توان معارضه با آن همه روایات را ندارد.
- ۵- ممکن است اشتباه و تغییری در کلمه صورت گرفته باشد؛ یعنی کلمه «حسین» در هنگام ثبت به شکل «حسن» نوشته شده باشد به ویژه اینکه این حدیث را افراد دیگری از ابو داود نقل کرده‌اند که در آن به صورت «حسین» آمده است.
- ۵- جواب دیگری که می‌شود به این حدیث داد این است که انتساب حضرت مهدی (ع) به امام حسن (ع) درست است؛ زیرا فاطمه، همسر امام سجاد(ع) که مادر امام باقر (ع) است، دختر امام حسن(ع) می‌باشد لذا امام مهدی (ع) مانند اجدادش بواسطه مادر امام باقر (ع)، حسنی و حسینی است پس، انتساب ایشان به هر دو امام صحیح می‌باشد.
- بنابراین، این روایت که مهدی (ع) را از امام حسن (ع) می‌دانند، ضعیف است و با احادیث دیگر که حضرت را حسینی می‌دانند، در تعارض آشکار است و در صورت قبول اینکه امام مهدی(ع) حسنی است، منافاتی با حسینی بودن ندارد زیرا نسب او از طریق پدر به امام حسین(ع) و از طریق مادر امام باقر(ع) به امام حسن(ع) می‌رسد.

مهدی(ع)، فرزند بلافصل امام حسن عسکری(ع)

روایاتی در منابع اهل سنت به چشم می‌خورد که مهدی(ع) را فرزند امام حسن عسکری(ع) معرفی می‌کند و بسیاری از دانشمندان اهل سنت بر این عقیده‌اند و برخی نیز تصریح می‌کنند که تنها فرزند امام عسکری (ع)، امام مهدی(ع) است. به عنوان نمونه یک روایت و اقوال چند تن از علمای اهل سنت را ذکر می‌کنیم.

۱۱۰. جزری دمشقی، محمد، اسمی المناقب، (بی‌جا)، (بی‌نا) ۱۴۰۳ق، ص ۱۶۵-۱۶۸

۱۱۱. ابی اسحاق در سال ۱۲۹ هـ-ق در گذشته و امام علی در سال ۴۰ق به شهادت رسیده است بنابراین سن او اقتضا نمی‌کند که از حضرت نقل روایت کند.

۱۱۲. اکبر نژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در احادیث شیعه و سنی، ص ۲۴۸، به نقل از منذری، مختصر ابن داوود ج ۶ ص ۱۶۲

قندوزی در «ینابیع الموده» از امام رضا(ع) روایتی را نقل می‌کند و تصریح می‌کند که این روایت در کتاب «الاربعین ابی نعیم اصفهانی»، موجود است. حضرت فرمودند: الخلف الصالح من ولد الحسن بن علی العسکری هو صاحب الزمان وهو المهدي سلام الله عليهم».^{۱۱۳} «خلف صالح از فرزندان حسن عسکری(ع)، صاحب زمان است که مهدی(عج) می‌باشد.» استوانه‌های علمی اهل سنت به این نکته تصریح می‌کنند که امام حسن عسکری(ع) فقط یک فرزند داشته است؛ افرادی مثل ابن حجر هیثمی که می‌نویسد: امام حسن عسکری(ع) جزء یک فرزند باقی نگذاشت که نامش ابوالقاسم، محمد و حجت بود و عمرش هنگام وفات پدرش، پنج سال بود و خدا به او حکمت آموخت که قائم منتظر، نامیده می‌شود.^{۱۱۴} بزرگانی مانند مسعودی^{۱۱۵}، ابن اثیر در تاریخش^{۱۱۶} و علمای دیگر، بر این که مهدی(ع) فرزند بلافضل حضرت حسن عسکری(ع) است، تا کید می‌کنند.

براین اساس، با بررسی احادیث نسب امام مهدی(ع) در منابع اهل سنت به چند نکته مهم و اساسی پی می‌بریم:

- ۱- اتفاق در نسب حضرت مهدی(ع) یکی از مشترکات شیعه و سنی به شمار می‌آورد.
- ۲- با دقت در روایاتی که درباره نسب امام مهدی(ع) در منابع اهل سنت وجود دارد به ویژه احادیثی که حضرت را فرزند امام حسن عسکری(ع) معرفی می‌کند، به این نتیجه می‌رسیم که حضرت متولد شده‌اند همچنان که عقیده بسیاری از اهل سنت هم همین است. ولی جای بسی تاسف است کسانی از شیعه که در باره مهدویت اظهار نظر می‌کنند دارای تالیفات هستند، عقیده به عدم تولد امام مهدی(ع) را، به اکثر علمای اهل سنت نسبت می‌دهند در حالی که چنین نیست بلکه عده‌ای از آنها چنین اعتقادی دارند که در مقاله‌ای جداگانه تولد حضرت در منابع اهل سنت مورد بررسی قرار گرفته است و نام بزرگانی از اهل سنت را که قائل به تولد امام مهدی(ع) هستند، ذکر شده است.
- ۳- ناگفته نماند چنانکه گفته شد منظور از نقل این احادیث از کتب برادران اهل سنت آن است که بدانیم مهدی موعود(عج) فرزند نهم امام حسین(ع) و فرزند بلافضل حضرت امام حسن عسکری(ع) می‌باشد و یک انسان تعیین شده از طرف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است نه اینکه بگوییم: هنوز متولد نشده و بعداً متولد خواهد شد و نمی‌دانیم کدام کس از نسل فاطمه و حسین علیهما السلام است. بنابراین باید به مهدی شخصی و معین قائل شد، نه مهدی نوعی.

۱۱۳. قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳ ص ۳۴۶ در ص ۲۷۳ از همان جلد، روایت دیگری از امام رضا(ع) می‌آورد که حضرت فرزندان امام خود را شمرد تا رسید به آخرین امام (حجت قائم) که او را فرزند حسن عسکری(ع) معرفی کردند.

۱۱۴. ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة ج ۲ ص ۶۰۱

۱۱۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۴ ج ۲ ص ۵۹۹

۱۱۶. ابن اثیر، أبو الحسن علی بن أبی الکریم محمد بن محمد بن عبد الکریم الشیبانی، الکامل فی التاریخ، بیروت، موسسه التاریخ العربی ۱۹۹۴ م، ج ۴ ص ۴۵۴

بخش پنجم: شناخت امام زمان عج^{۱۱۷}

از شناخت خدا تا شناخت امام عصر(عج)

هدف از آفرینش، بندگی خداوند متعال است^{۱۱۸} و اساس و پایه بندگی، شناخت او است.^{۱۱۹} عالی‌ترین تبلور این معرفت، شناخت پیامبر(ص) و اوصیای او است. بی‌گمان یکی از وظایف مهم بندگان در مقابل پروردگار، شناخت آن وجود مقدس است. این معرفت زمانی به کمال می‌رسد که پیامبران خداوند - به ویژه پیامبر خاتم(ص) - را به خوبی شناخته باشند. این مهم نیز حاصل نمی‌گردد؛ مگر با شناخت اوصیای او به خصوص آخرین حجت الهی.

امام حسین بن علی(ع) به اصحاب خود فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ»؛ «ای مردم! همانا خداوند متعال بندگان را نیافرید، مگر برای آنکه او را بشناسند. پس در آن هنگام که او را شناختند، بندگی او را خواهند کرد. و آن هنگام که او را بندگی کردند، با عبادت او از عبادت غیر او بی‌نیاز می‌گردند». شخصی پرسید: «ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت، معنای شناخت خدا چیست؟» سالار شهیدان(ع) در پاسخ فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامِهِمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»؛^{۱۲۰} «معرفت خدا عبارت است از اینکه اهل هر زمان امامی را که اطاعتش بر آنان واجب است، بشناسد».

بنابراین به روشنی معلوم می‌شود که شناخت امام، از معرفت خداوند جدا نیست؛ بلکه یکی از ابعاد آن است. در دعایی صادر شده از ناحیه مقدسه آمده است: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرَّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ تُعَرَّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرَّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرَّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛^{۱۲۱} «خدایا! خودت را به من شناسان که اگر خود را به من شناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! رسول خود را به من شناسان که اگر رسول خود را به من شناسانی، حجت تو را نمی‌شناسم. خدایا! حجتت را به من شناسان که اگر حجت خود را به من شناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم». امامت نقش اساسی در حفظ نظام و کمال بشر و حرکت او به سوی خدا و اجرای احکام الهی دارد و اطاعت امر امام، از نظر شرع و عقل واجب است. از این رو در وجوب شناخت امام - بر حسب حکم عقل و شرع - جای هیچ‌گونه تردید و

۱۱۷. برگرفته از سایت salimian.com؛ مقاله: «از شناخت خدا تا شناخت امام عصر(عج)»

۱۱۸. ذاریات/۵۶ «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»

۱۱۹. «اول عبادة الله معرفة». شیخ صدوق، توحید، ص ۳۴؛ شیخ طوسی، امالی، ص ۲۲.

۱۲۰. کافی، ج ۱، ص ۳۴۲.

۱۲۱. لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام(ع)، ص ۶۹.

شبهه‌ای نیست؛ زیرا هم مقدمه اطاعت است و بدون وجوب آن، اطاعت و نصب امام بیهوده خواهد بود، و هم بر حسب آنچه در روایات استفاده می‌شود، بالخصوص واجب است.^{۱۲۲}

امیرمؤمنان علی(ع) در این باره فرمود: «... وَإِنَّمَا الْإِثْمَةُ قَوْمُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعَرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ»^{۱۲۳} «پیشوایان، مدیران الهی بر مردمند و رؤسای بندگان او هستند. هیچ کس - مگر شخصی که آنها را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند - وارد بهشت نخواهد شد. و کسی - جز آنکه آنها را انکار کند و آنان نیز او را انکار کنند - داخل دوزخ نگردد».

اگر برای کسی این معرفت به دست آمد، هرگز تقدیم یا تأخیر ظهور مهدی آل محمد(ع) گرد ملال بر خاطرش نشانند. وقتی ابو بصیر از حضرت صادق(ع) پرسید: آیا برای من افتخار حضور در محضر قائم آل محمد(ع) حاصل می‌شود؟ آن حضرت فرمود: «أَلَسْتَ تَعْرِفُ إِمَامَكَ؟» «آیا امام خود را نمی‌شناسی؟» عرض کرد: می‌شناسم؛ به خدا سوگند! شما هستید. پس آن حضرت فرمود: «وَاللَّهِ مَا تَبَالَى يَا أَبَا بَصِيرٍ أَلَا تَكُونُ مُحْتَبِيًّا سَيِّفِكَ فِي ظِلِّ رِوَاقِ الْقَائِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ؟»^{۱۲۴} «به خداوند سوگند! [در این صورت] هیچ جای نگرانی نیست! اگر این توفیق را نیابی که به همراه قائم (عج)، شمشیر به دست گرفته باشی»؛ یعنی، با این شناخت به درجه کسی رسیده‌ای که در جوار حضرت مهدی (عج)، در راه خدا به جهاد بر می‌خیزد. امام همچنین می‌فرماید: «...اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِوَاءِهِ...»^{۱۲۵} «امام خود را بشناس! پس همانا هنگامی که امام خود را شناختی، هیچ آسیبی به تو نخواهد رسید؛ از اینکه امر ظهور جلو بیفتد و یا اینکه عقب بیفتد. هر کس که امام خویش را شناخت و آن گاه پیش از آنکه صاحب الامر قیام فرماید از دنیا رفت، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت حضور پیدا کرده است. نه، بلکه بسان کسی است که زیر پرچم ایشان حاضر شده باشد...».

راه‌های شناخت امام(ع)

عمده راه‌هایی که در شناخت امام می‌توان از آن استفاده کرد، سه راه است:

۱. نص: یعنی، تعیین و تصریح پیغمبر(ص) که مفادش خبر دادن از نصب الهی و یا نصب امام به امر الهی است. در نوع اول نصب بدون واسطه انجام شده و فعل الهی است و نص پیغمبر(ص)، مثل خبر دادن از آن است. در نوع دوم فعل الهی، با

۱۲۲. نهج البلاغه، ص ۲۱۲، خطبه ۱۵۲.

۱۲۳. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۱۲۴. نعمانی، الغیبة، ص ۳۲۹، ج ۲؛ کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۱۲۵. ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام(ع)، صص ۷۷-۷۸.

واسطه پیغمبر(ص) است که به امر خدا انجام می‌شود و استناد آن به او، مانند استناد افعال ملائکه به خداوند است.

۲. **کرامت:** ظهور کرامت به دست کسی که مدعی امامت باشد، دلیل بر صدق ادعای او است و به بیان برخی از بزرگان، دلیل بر نص و نصب او از جانب خداوند است. در این مسأله دو دیدگاه هست: یکی اینکه کرامت مستقلاً دلیل بر امامت است و دیگری اینکه دلیل اصلی، نصب و نص پیغمبر(ص) یا امام سابق است و کرامت، دلیل بر نصب است. اگر نص مفقود باشد و کرامت باشد، کرامت، دلالت می‌کند که نص بر صاحب کرامت بوده و به دست ما نرسیده است.

۳. **سیره عملی:** اخلاق و رفتار، وضع زندگی و علم و دانش یکی از راه‌های شناخت امام، برای کسانی است که اهلیت تشخیص را داشته باشند و بتوانند از اخلاق، سلوک، گفتار و برخوردهای گوناگون، صاحب این مقام را بشناسند.^{۱۳۶}

امروزه با توجه به انبوه روایات معتبر، راه برای شناخت امام زمان(ع) باز است. هشتمین پیشوای شیعیان امام علی بن موسی الرضا(ع) می‌فرماید: «...الإمام أمين الله في خلقه و حجته على عباده و خليفته في بلاده و الداعي إلى الله و الذاب عن حرم الله الإمام المطهر من الذنوب و المبرأ عن العيوب المخصوص بالعلم الموسوم بالحلم نظام الدين و عز المسلمین و غيظ المنافقين و بوار الكافرين الإمام واحد دهره لا يدانيه أحد و لا يعادله عالم و لا يوجد منه بدل و لا له مثل و لا نظير مخصوص بالفضل كله من غير طلب منه له و لا اكتساب بل اختصاص من المفضل الوهاب...»^{۱۳۷}

«امام امانت دار الهی در میان خلقتش، حجت او بر بندگانش، خلیفه او در سرزمین هایش، دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از حقوق واجب او بر بندگان است. امام پاک از گناه و به دور از عیب‌ها است. دانش‌ها به او اختصاص دارد و او به بردباری شناخته می‌شود. امام نظام دهنده به دین و باعث سربلندی مسلمانان و خشم منافقان و از بین رفتن کافران است. امام یگانه روزگار خویش است. هیچ کس در مقام، به منزلت او نزدیک نمی‌شود و هیچ دانشمندی با او برابری نمی‌کند و جایگزینی برای او پیدا نمی‌شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلت‌ها مخصوص او است، بدون آنکه آنها را طلب کرده باشد. این امتیازی از طرف فضل کننده بسیار بخشنده، برای امام است...»^{۱۳۸}

به راستی با شناخت همین چند ویژگی، قدم بلندی در راه شناخت امام برداشته می‌شود و آن گاه نوبت به اطاعت و فرمان برداری می‌رسد.^{۱۳۹}

آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان (عج)

۱۳۶. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۱۳۷. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۱۳۸. این روایت مفصل است که علاقه مندان می‌توانند به متن کامل آن مراجعه می‌کنند.

۱۳۹. یکی از راه‌های شناخت امام مراجعه به متن ارزشمند «زیارت جامعه» است که به حق اوصاف بلندی از امام در آن ذکر شده است.

۱. محبت و دوستی امام:

یکی از وظایف مهم شیعیان، محبت و دوستی امام است و حتی از برجسته‌ترین آثار معرفت او، محبت به آن وجود مقدس است. این شناخت به هر میزان بیشتر باشد، محبت آنان فزون تر می‌شود و هر قدر محبت بیشتر شد، نشان از وجود سنخیت با آن انوار مقدس است. این هم سنخی نیز هر قدر افزایش یابد، نشان از تقرب به ذات اقدس الهی است و این والاترین کمال است. از آنجایی که خود پیشوایان معصوم(ع) به مقام والای امام و امامت شناختی کامل دارند؛ وقتی سخن از یک امام پیش می‌آید، در نهایت بزرگداشت از او یاد می‌کنند.

رسول اکرم(ص) آن گاه که سخن از آخرین وصی خود به میان می‌آورد، در نهایت احترام از زیباترین واژگان محبت بهره برده، می‌فرماید: «بَابِي وَ أُمِّي وَ شَيْبِي وَ شَيْبِي وَ شَيْبِي مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ...»^{۱۳۰} «پدر و مادرم فدایش باد که او هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نورهایی احاطه دارد...».

امام علی بن ابیطالب(ع) نیز می‌فرماید: «فَانظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا، وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فَانصُرُوهُمْ، فَلْيَفْرَجَنَّ اللَّهُ [الْفِتْنَةَ] بِرَجُلٍ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ. بَابِي ابْنُ خَيْرَةِ الْأَمَاءِ»^{۱۳۱} «شما همواره به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید؛ اگر آنان ساکت شدند و در خانه نشستند، شما نیز سکوت کرده، به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند، به یاری آنان بشتابید. خدای متعال به دست مردی از ما اهل بیت، ناگهان فرج عنایت خواهد کرد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است.».

حضرت حسین بن علی(ع) نقل کرده است: مردی نزد پدرم آمد و از اوصاف مهدی(عج) پرسید. ایشان وقتی صفات او را ذکر کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی، به سینه خود اشاره کرده، آهی کشید و از شدت اشتیاق به ایشان، به سینه خود اشاره فرمود (وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ).^{۱۳۲}

ابوحمزه ثمالی می‌گوید: «روزی نزد امام باقر(ع) بودم که فرمود: «ای اباحمزه! یکی از امور یقینی - که خداوند آن را حتمی ساخته است - قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی در آنچه که می‌گویم تردید کند، خداوند را در حالی ملاقات خواهد کرد که به او کافر شده و انکار کننده او است. سپس فرمود: پدر و مادرم فدای او که هم نام من و هم کنیه من است و هفتمین فرد پس از من می‌باشد».^{۱۳۳} خلاد بن صفار می‌گوید: از امام صادق(ع) سؤال شد: آیا قائم به دنیا آمده است؟ حضرت فرمود: «لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»^{۱۳۴} «خیر! اگر او را درک کردم، در ایام زندگانی ام خدمت گزار او خواهم بود.».

۱۳۰. علی بن محمد خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۵۶.

۱۳۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۱۸ و ج ۴۱، ص ۳۵۳ و ج ۵۱، ص ۱۲۱.

۱۳۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۱۲، ج ۱.

۱۳۳. نعمانی، الغیبة، ص ۸۶.

آن حضرت در روایتی دیگر فرموده است: «...أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»؛^{۱۳۵} «به درستی اگر من آن روز را درک می‌کردم، جانم را برای صاحب این امر نگه می‌داشتم». امام علی بن موسی الرضا(ع) فرمود: «بِأَبِي وَ أُمِّي! سَمِي جَدِّي وَ شَبِيهِی وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ الْقُدْسِ...»؛^{۱۳۶} «پدر و مادرم فدای تو که هم نام جدم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران...».

۲. نجات از مرگ جاهلی

در روایات فراوانی وارد شده است: «هر کس از دنیا برود و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است». این روایت در مورد شناخت و معرفت تمامی ائمه(ع) صادق است؛ ولی در خصوص حضرت مهدی(عج) نیز روایاتی وارد شده است. معاویه بن وهب گوید: «شنیدم از امام صادق(ع) می‌فرماید که رسول خدا(ص) فرمود: «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛^{۱۳۷} «هر کس بمیرد در حالی که امام خودش را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلی مرده است». محمد بن عثمان عمري گوید: از پدرم شنیدم که می‌گفت: من در حضور ابومحمد حسن بن علی(ع) بودم. از آن حضرت درباره این خبر - که زمین تا روز قیامت از حجت خداوند بر خلقش خالی نیست و هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است - پرسیده شد؛ فرمود: «إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ»؛ «به راستی این درست است؛ چنان که روز درست است». به او عرض شد: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: «إِبْنِي مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا إِنْ لَهُ غَيْبَةٌ يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ»؛^{۱۳۸} «پسر محمد؛ او امام و حجت بعد از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. آگاه باشید برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان می‌شوند و اهل باطل در آن هلاک می‌گردند و کسانی که برای آن، وقت معین کنند، دروغ می‌گویند. سپس خروج می‌کند و گویا به پرچم‌های سپیدی می‌نگرم که بر بالای سر او در نجف کوفه در اهتزاز است».

مرگ جاهلی؛ یعنی، مردن بدون شناخت خدا و رسول او(ص). کسی که امام زمان خود را نشناسد، در واقع از گمراهی زمان جاهلیت - که خدا و پیغمبر(ص) را نمی‌شناختند - خارج نشده است. بنابراین، اگر معرفت خدا و رسول او، به معرفت امام زمان

۱۳۴. همان، ص ۲۴۵، ح ۲۳.

۱۳۵. همان، ص ۲۷۳، ح ۵۰.

۱۳۶. شیخ صدوق(ره)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷، باب ۳۵، ح ۳.

۱۳۷. الغيبة، ص ۱۲۹؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹.

۱۳۸. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۸۱، ح ۸.

(عج) منتهی نشود، فایده‌ای برای انسان نخواهد داشت و او را دین دار نمی‌کند.

شخصی از امام صادق(ع) پرسید: منظور از جاهلیت، جهل مطلق و نسبت به همه چیز است یا فقط نشناختن امام است؟ آن حضرت فرمود: «جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ وَ ضَلَالٌ»؛^{۱۳۹} «منظور، جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است».

پس نتیجه عدم شناخت امام زمان (عج)، کفر و نفاق و گمراهی است. البته ممکن است نشناختن، در اثر عدم معرفی امام زمان (عج) از سوی خدا باشد (بدون کوتاهی خود شخص). این حالت «ضلال» نامیده می‌شود و مرادف با «استضعاف» است. در این حالت، شخص مقصر نیست؛ ولی به هر حال از هدایت الهی و دین داری محروم گشته است. حالت کفر و نفاق مربوط به شخصی است که برایش معرفی الهی صورت گرفته؛ ولی او در پذیرفتن آن کوتاهی کرده است. این دو حالت دارد: یا انکار و عدم تسلیم خود را به صراحت ابراز می‌دارد که کفر نامیده می‌شود و یا آن را مخفی می‌دارد که «نفاق» است. در هر سه صورت، شخص از مسیر عبودیت خداوند، دور افتاده و عاقبت به خیر نیست.

پس شناخت و پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، نه از باب تعبد؛ بلکه به حکم عقل انسان است. چرا که انسان خداشناس راهی به سوی خدا ندارد؛ مگر از طریقی که خود خداوند قرار داده است. جز از این راه، نمی‌تواند از خشم الهی آگاه شود. مراجعه مردم به ائمه اطهار(ع)، از باب مراجعه نادان به دانا است. این یک حکم عقلی است؛ همچنان که عاقل در امور مادی و دنیوی خود، به دانا و متخصص آن مراجعه می‌کند، در امور معنوی و غیر مادی نیز عقل همین گونه حکم می‌کند.^{۱۴۰}

مهدی شخصی و مهدی نوعی^{۱۴۱}

بحث درباره مهدی شخصی و نوعی، ارتباط مستقیمی با موضوع شناخت حضرت مهدی (عج) دارد. لفظ «مهدی» مفهوم عامی دارد و به کار بردن آن به هر فردی که خدا او را هدایت کرده باشد، جایز است. با این مفهوم همه پیامبران و اوصیا(ع)، مهدی هستند و به کار بردن آن در حق شخص پیامبر(ص) و امیرمؤمنان و سایر امامان(ع) جایز است؛ زیرا همه مهدی و هدایت شده اند. حتی به کار بردن این واژه درباره افراد دیگری که در مکتب آن بزرگواران تربیت و هدایت یافته‌اند، جایز است. با این حال روشن است که مقصود از مهدی - که بر زبان مبارک حضرت رسول(ص) جاری شده - يك عنوان خاص و لقب شخصی معین و عزیز است. پیامبر(ص) به ظهور او بشارت داده و مسلمانان را فراخوانده است که در ردیف منتظران ظهور او باشند.

بر حسب اخبار معتبر، «مهدی» لقب موعود آخرالزمان است که حتی تبار و اوصاف او در احادیث معتبر مورد اشاره قرار گرفته

۱۳۹. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ۱، ص ۳۷۷.

۱۴۰. سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر(ع)، ص ۱۱۱

۱۴۱. اگر چه این اصطلاح در بعضی از کتاب های متأخرین به کار رفته؛ ولی در هیچ یک از آنها به روشنی تعریف نشده است؛ به گونه ای که به نظر می رسد هر یک آن را در معنایی به کار برده اند.

است. این ویژگی‌ها بر هیچ کس، جز امام دوازدهم فرزند امام حسن عسکری(ع) قابل تطبیق نیست. لقب «مهدی» به این معنا (مورد هدایت خدا و احیا کننده اسلام و پر کننده جهان از عدل و داد و...) نخستین بار در مورد آن حضرت به کار رفت و این در عصر خود پیامبر(ص) انجام گرفت و مهدی به عنوان منجی و رهایی بخش معرفی شد.

مهدویت - به مفهوم نوعی - از هیچ یک از روایات نقل شده از پیامبر(ص) و امامان(ع) قابل استفاده نیست. بر اساس این برداشت، او فردی نامعین است که در زمانی مناسب، زاده خواهد شد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

از نظر منطق و برهان، «نوعی بودن مهدی» باطل و نادرست است؛ چرا که نقض غرض می‌شود! مقصود از قیام او، پرکردن جهان از عدل و داد است؛ ولی نوعی بودن مهدی، جهان را از ظلم و ستم پر خواهد کرد. در این صورت هر قدرتمند دروغ‌گویی، می‌تواند ادعا کند که مهدی است و به نام عدالت‌گستری، به جهان‌گیری بپردازد!! پس مدعیان مهدویت بسیار خواهند شد و در هر زمان و مکانی، ممکن است چند تن، ادعای مهدی بودن کنند و عده‌ای ساده‌دل و نادان، گرد ایشان جمع شوند و به ظلم و ستم بپردازند!! جنگ، سراسر زمین را فراگیرد و از خونریزی و فتنه و آشوب، آکنده گردد و... بنابراین، وجود مهدی نوعی، از نظر اجتماعی محال است.

در این صورت وعده‌های قرآن و پیامبران باطل و دروغ بوده و یا وجود مهدی پس از ظهور، قابل انکار و تردید خواهد بود؛ چون دلیلی برای آنکه او مهدی موعود است، وجود ندارد!

در تاریخ اسلام، دیده شده که مدعیان مهدویت، بسیار آمدند و رفتند؛ اما چه خون‌ها که نریختند چه ظلم‌ها و ستم‌ها که نکردند! پس بایستی، مهدی، شخص معینی باشد که شناختش، برای خلق آسان باشد و اشتباهی در تشخیص او رخ ندهد.

آموزه «مهدی نوعی»، با اسلام منافات دارد؛ چون روایات متواتری وارد شده که آن منجی موعود، شخصی معین و زنده است. از طرفی این امر مستلزم آن است که سال‌ها زمین، خالی از حجت باشد و این هم بر خلاف اصول و مبانی اسلام است. با این حال، مدعیان مهدویت، همگی از میان مسلمانان برخاسته‌اند؛ کسانی که از اصول و مبانی اسلام خبر نداشته‌اند و یا حقیقت را به مسلمانان نگفته بودند!^{۱۴۲}

یکی از دانشمندان شیعه در این باره نوشته است: موضوع مهدی نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود و نه یک پیشگویی است که باید در انتظار مصداقش ماند؛ بلکه واقعیتی استوار و فردی مشخص است که خود نیز، در انتظار رسیدن هنگام فعالیتش به سر می‌برد. در میان ما - با گوشت و خون خویش - زندگی می‌کند؛ ما را می‌بیند و ما نیز او را می‌بینیم. در فضای دردها، رنج‌ها و آرزوهای ما است و در اندوه و شادی ما شریک است. شکنجه‌های آزرده‌گان و تیره‌روزی

۱۴۲. ر.ک: سید رضا صدر، راه مهدی(عج)، ص ۶۳ و ۶۴.

ناکامان زمین و بیداد ستمگران را - از دور یا نزدیک - می‌بیند و به انتظار لحظه‌ای است که فرا رسد و دست پرتوان خویش را به سوی همه رنج کشیدگان، محرومان و سیه‌روزان دراز کند و تومار ستمگران را بریده و درهم پیچید.

البته سرنوشت این رهبر موعود، این است که خود را آشکار نسازد و همراه با دیگران، لحظه موعود را انتظار کشد. ... در احادیث نیز، پیوسته، به «انتظار فرج» و درخواست ظهور مهدی، سفارش شده است تا مؤمنان همواره چشم به راه او باشند. این تشویق، تحقق همان همبستگی روحی و وابستگی وجدانی منتظران ظهور و رهبرشان است. این همبستگی و پیوند پدید نمی‌آید؛ مگر اینکه مهدی را هم اکنون انسانی تجسم یافته بشماریم. تجسم یافتن مهدی (عج) تحرك تازه‌ای به «فکر انتظار منجی» می‌بخشد و آن را از توانایی و آفرینندگی بیشتری برخوردار می‌کند. گذشته از آن، در انسانی که به طرد ستم‌ها پرداخته و رهبر منتظر خود را نیز هم درد، هم رنج، همسان و وابسته به خویش احساس می‌کند و نوعی مقاومت و شکیبایی - در برابر دردهایی که در اثر محرومیت به او رسیده - ایجاد می‌شود.^{۱۴۳}

یکی از دانشمندان معاصر، بحث «مهدی نوعی» را بر اساس دیدگاه صوفیه چنین شرح کرده است: «صوفیه اعتقاد به ولایت عامه و مهدویت نوعیه دارند و اولیا را منحصر به دوازده امام نمی‌دانند. امروز هم اغلب عقیده دارند که پیر آنها در زمان خود ولی است و هر قطبی منصب ولایت دارد. کسانی امثال بایزید بسطامی، منصور حلاج، محی الدین عربی، احمد غزالی و جنید بغدادی را «ولی» می‌دانند».

آن گاه با اظهار شگفتی از این نگرش، می‌نویسد: «عجب است که صوفیان شیعه با این عقیده - که مخالف اساس معتقدات شیعه است - باز دم از تشیع و لاف محبت امام زمان (عج) می‌زنند و سایر شیعیان و علمای ربانی را اهل ظاهر و قشری و خود را با انکار ضمنی ولی الله المطلق و مهدی موعود جهان - که بعد از امام عسکری (ع) جز او ولی و قطب و امامی نیست - اهل معنی و اهل لب و «اهل حق» می‌دانند!!

گویا مولوی نیز در مثنوی چنین دیدگاه ناروایی را مطرح می‌کند:

پس به هر دوری ولیی قائم است

پس امام حی قائم آن ولی است!

مهدی و هادی وی است ای راه جو!

او چه نور است و خرد جبریل اوست

تا قیامت آزمایش دائم است

۱۴۳. سید محمد باقر صدر، جستجو و گفتگو پیرامون حضرت مهدی (عج)، ص ۶ - ۸.

خواه از نسل عمر خواه از علی است!

هم نهان و هم نشسته پیش رو!

و آن ولی کم از او قنديل اوست^{۱۴۴}

بنابراین شیعه با ردّ این انگاره، تنها به مهدی شخصی معتقد است. چنان که آیت الله حسن زاده آملی می‌نویسد: «امام زمان در عصر محمدی(ص)، انسان کاملی است که جز در نبوت تشریحی و دیگر مناصب مستأثرة ختمی، حائز میراث خاتم به نحو اتم است و مشتمل بر علوم و احوال و مقامات او به طور اکمل است. او با بدن عنصری در عالم طبیعی و سلسله زمان موجود است؛ چنان که لقب شریف صاحب الزمان بدان مشعر است، هر چند احکام نفس کلیه الهیه وی بر احکام بدن طبیعی او، قاهر و نشأه عنصری او مقهور روح مجرد کلی و لوی او است. و از وی به قائم، حجة الله، خلیفة الله، قطب عالم امکان، واسطه فیض و به عناوین بسیار دیگر نیز تعبیر می‌شود.

این چنین انسان که نامش می‌برم

من ز وصفش تا قیامت قاصر م

چنین کسی در این زمان سرّ آل محمد(ص) امام مهدی هادی فاطمی هاشمی ابوالقاسم - م ح م د - نعم الخلف الصالح و درّ

یک دانه امام حسن عسکری(ع) است. ان هذا لهو الحق الیقین. الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله»^{۱۴۵}

والسلام علی من تبع الهدی

۱۴۴. علامه مجلسی، مهدی موعود(عج)(ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار)، ترجمه علی دوانی، ص ۳۴۰، پاورقی.

۱۴۵. حسن حسن زاده آملی، نهج الولاية، ص ۷.